



## در آمدی بر اصول حقوق شهروندی در فقه

پدیدآورنده (ها) : توتونچیان، مهری

حقوق :: نشریه حقوق ملل :: زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۲۸

صفحات : از ۶۳۵ تا ۶۸۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1819651>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- اصول حاکم بر حقوق شهروندی در اسلام
- ظرفیت های اصول و قواعد فقهی در سازماندهی حقوق شهروندی
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام
- فقه و حقوق شهروندی
- کتابشناسی برگزیده حقوق
- اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل
- ارزیابی عوامل مؤثر بر حقوق عابران پیاده با توجه به اصول حقوق شهروندی در اسلام
- مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی(س) و تفاوت های آن با حقوق شهروندی در غرب
- بررسی تطبیقی مبانی فلسفی «حقوق» از منظر مکاتب حقوق بین الملل و جامعه شناسی
- جایگاه منشور حقوق شهروندی در منابع حقوق ایران
- رویکردهای حقوق شهروندی نسبت به نوآوری و چالش های ق حمایت خانواده ۹۱
- ابعاد فقهی حقوقی معاملات به قصد فرار از دین با نگاهی به حقوق شهروندی

## عناوین مشابه

- تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه های ایرانی- اسلامی)
- بررسی جایگاه حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی با تاکید بر اصول اخلاقی
- اصول و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در فضای سایبر
- اصول حاکم بر دادرسی های خانواده در فقه و حقوق با رویکردی به آرای امام خمینی (س)
- ارزیابی و تحلیل اصول حاکم بر شاخص های نظارت قضایی در حقوق شهروندی
- ارزیابی عوامل مؤثر بر حقوق عابران پیاده با توجه به اصول حقوق شهروندی در اسلام
- اصول حاکم بر حقوق شهروندی در اسلام
- جایگاه عرف در تبیین حقوق شهروندی از نظر فقه اسلام با تاکید بر نهج البلاغه
- بررسی مقایسه ای اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری در ایران و قوانین بین المللی با تأکید بر تربیت شهروندی
- بررسی حقوق شهروندی با تاکید بر آزادی بیان در فقه و حقوق

## در آمدی بر اصول حقوق شهروندی در فقه

مهری توتونچیان

دکتری اللبیتات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی

### رعایت قناعت و ساده زیستی در زندگی فردی و اجتماعی

قناعت در متون دینی و اخلاقی به معنی رضایت داشتن به امکانات زندگی در حد کفاف است. حد کفاف در اسلام، یعنی تأمین حداقل معیشت زندگی در حدی است که انسان محتاج دیگران نباشد؛ لیکن شأن افراد نیز در تعیین سطح زندگی آنها موثر است (باقری نودشکی، ۲۳، ۱۳۸۴). در اسلام، مهمترین منبع انباشت ثروت، کار و تلاش می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: و أن لیس الانسان الّاماسعی؛ یعنی برای انسان پاداشی جز سعی و تلاش وی نیست (سوره نجم / ۳۹). فقر و تهیدستی در جامعه اسلامی امری منفور و مردود است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: الفقر الموت الاکبر؛ یعنی فقر مالی، مرگ بزرگ و اکبر است. (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳: ۶۶۵). بنابراین کار و تلاشی که منجر به رفع فقر و تهیدستی گردد، در جامعه اسلامی امری واجب و عبادت محسوب می‌شود. لذا قناعت را نباید در قانع بودن به کار و تلاش کمتر و کسب درآمد کمتر تلقی کرد، بلکه قناعت به معنی حریص نبودن در انباشت ثروت از طریق راه‌های غیر مشروع می‌باشد. در اسلام کسب درآمد از راه‌های حرام و غیرمشروع (معاملات غرری) ممنوع است. زیاده‌خواهی از طریق رانتخواری و کسب درآمدهای باد آورده

ممنوع است. احتکار، گرانفروشی، کمفروشی، دروغ گفتن و هر رفتار ناپسند برای کسب درآمد و ثروت اندوزی حرام می‌باشد. به طور خلاصه، از دیدگاه امام علی (ع) وجود یک دولت اسلامی مقتدر که بتواند امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جامعه به وجود آورد و کشور را از نابسامانی نجات دهد، امری لازم و ضروری می‌باشد. دولت مسئول برقراری عدالت بین اقشار مختلف جامعه، نظارت و کنترل قیمت‌ها و سایر رویدادهای اقتصادی در بازار، حمایت از اقشار زحمتکش و تولیدکننده کالاها و خدمات در جامعه، رفع نیاز اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر جامعه و وصول انواع منابع درآمدی (دولت) و هزینه کردن آن برای رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در جامعه می‌باشد. دولت خوب و متعهد اسلامی در جامعه، ولی نعمت مردم است و باید حقوق همه مردم را به طور عادلانه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأمین نماید و بر مردم نیز واجب است که از چنین دولتی حمایت و نسبت به آن وفادار باشند.

از مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که، اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) نشأت گرفته از گفتار و سیره و منش آن حضرت می‌باشد و چارچوب و ساختار آن براساس رعایت اصول عدالت در همه شئون فردی و اجتماعی، فقرزدایی از همه مردم، رعایت قناعت و زندگی متعادل از جانب همه مردم و مسئولان حکومتی، اخذ مالیات عادلانه از همه اقشار جامعه، مقابله با مفاسد سیاسی و اقتصادی در بین کارگزاران حکومتی و کسبه و بازاریان استوار است و دولت مسئول و مجری اصول فوق می‌باشد. از دیدگاه امام علی (ع) دولت خوب و اسلامی، دولتی عادل، سادهزیست و قناعت پیشه و دارای کارگزارانی عاری از انواع مفاسد اقتصادی می‌باشد و دولت بد و غیر اسلامی، دولتی ظالم، ستمگر و عامل خرابی و ویرانی و فقر و فلاکت مردم است. بنابراین، مهم‌ترین رکن یک حکومت اسلامی، حکام و کارگزاران عادل و لایق می‌باشند. دومین رکن آن را مردمی متعهد، وظیفه‌شناس و ناظر بر اعمال و کردار دولتمردان تشکیل می‌دهد؛ در حکومت علوی مردم دارای حق و مطالبات خود از دولتمردان هستند و هم دولتمردان بر مردم دارای حق می‌باشند. هرگاه مردم حق حکام و والیان را بر آورده کنند و والیان نیز حق مردم را بر آورده نمایند، در آن صورت جامعه از عدالت علوی برخوردار خواهد بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مبانی و اصول اقتصادی در نهج البلاغه به عنوان اصول آرمانی اقتصاد اسلامی مورد توجه کارگزاران حکومتی قرار گیرد و سعی شود در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از آنها استفاده شود. با توجه به اینکه اصول ششگانه

اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) هم دارای مبانی نظری در علم اقتصاد است<sup>۱</sup> و هم از اصول مبانی فقه اسلامی محسوب می‌شود، یافتن راهکارهایی عملی برای پیاده کردن آنها در جوامع کنونی ضروری به نظر می‌رسد. رعایت عدالت در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، دوری از مفاسد اقتصادی و پرهیز از فقر و تهیدستی از جمله نیازهای مبتلا به جامعه کنونی ما می‌باشد. لذا، تدوین و اجرا کردن قوانینی که مبتنی بر گفتار و سیره عملی امام علی (ع) که دارای تجربه حکومت داری بوده است، می‌تواند راه حل مشکلات کنونی جوامع اسلامی باشد (مولایی، ۱۲۱، ۱۳۹۲).

### ۳-۲-۶. راهکارهای امام علی (ع) برای مقابله با مفاسد اقتصادی

این راه کارها عبارتند از:

#### ۳-۲-۶-۱. وجود حاکمان و کارگزاران سالم، با تجربه و خوشنام

آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر، فرماندار منصوب به ولایت مصر، خصوصیات و سیمای کارگزاران دولتی را معلوم و مشخص می‌کند و می‌فرماید: «... سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندانی پاکیزه و با تقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی ایشان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت المال نمی‌زنند، و این اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند و یا در امانت تو خیانت کنند (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۸). همان طور که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه امام علی (ع) یکی از راه‌های جلوگیری از مفاسد اقتصادی، انتصاب کارگزارانی سالم، با تجربه، دارای سابقه درخشان و خوشنام می‌باشد و دادن حقوق کافی، از جمله عواملی است که مانع فسادهای مالی توسط آنها می‌باشد.

۱. برای مطالعه مطابقت اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) با عقاید اقتصاددانان، به کتاب "مقایسه اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج البلاغه با عقاید برخی اقتصاددانان"، تألیف دکتر محمد مولایی رجوع گردد.

### ۳-۲-۶. نظارت دقیق بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی.

امام علی (ع) در تمام ولایات و بلاد اسلامی تحت حکومت خود، عده‌ای را به عنوان چشم و گوش خود به کار گماشته بود که گزارش اعمال کارگزاران و عمال حکومتی را به ایشان ارائه می‌کردند. آن حضرت در بخشی از نامه ۵۳ به مالک اشتر، نظارت بر اعمال کارگزاران حکومتی را به شرح زیر مطرح می‌فرماید: «... رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان گمار، که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیک خود سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آن چه از اموال در اختیار دارد، از او باز پس گیر، سپس او را خوار و خیانت کار به شمار و طوق بدنامی بر گردنش بیفکن (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۹).

### ۳-۲-۶. برخورد قاطع با اشخاص فاسد و خیانتکار.

امام علی (ع) در نامه خود به عبیدالله ابنعباس، ضمن گلایه و نکوهش او به خیانت در اموال عمومی مسلمین می‌فرماید: «... پس از خدا بترس و اموال مردم را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذر خواه من باشد، و با شمشیری تو را میزنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. به خدا سوگند، اگر حسن و حسین (ع) چنان می‌کردند که تو انجام دادی، هرگز از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان بازستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم» (نهج البلاغه، نامه ۴۱: ۵۴۷). همان طور که ملاحظه می‌شود، امام علی (ع) در احقاق حقوق مردم، با هیچ کس حتی نزدیکان خود تعارف و رودربایستی ندارد و برخورد با کارگزاران فاسد را یکی از سیاست‌های مهم حکومتی خود می‌داند.

### ۳-۲-۶. گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی.

آن حضرت در نامه‌های متعددی به حاکمان منصوب حکومتی، آنها را به ساده زیستی، پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت زهد و تقوا دعوت می‌نمود. به عنوان مثال: شریح ابن الحارث قاضی کوفه را از خریدن خانه گران قیمت (از راههای غیرحلال) منع می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۳: ۴۸۱). آن حضرت، عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از رفتن به میهمانی‌های تجملی که توسط ثروتمندان انجام شده بود، منع می‌فرماید و زندگی

ساده خویش را به عنوان الگوی ساده زیستی، به مردم بیان می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۵: ۵۵۳). بدیهی است که ساده زیستی مسئولان حکومتی و مردم می‌تواند در قانع بودن آنها به امور مادی و پرهیز از تجمل‌گرایی مؤثر باشد این می‌تواند از عوامل بازدارنده آنها به فسادهای اقتصادی باشد. دومین گروه در جامعه که ممکن است رفتار آنها منجر به فساد اقتصادی گردد، بازاریان، تجار و صاحبان صنایع می‌باشند. امام علی (ع) ضمن با اهمیت دانستن کار بازرگانان و صاحبان صنایع، نظارت دقیق بر کار آنها توسط حکومت و فرستادن بازرسان حکومتی برای کنترل قیمت‌ها و عدم احتکار بر کالاها و در نهایت کیفیت و مجازات نمودن مجریان را بهترین راه در جهت کنترل اعمال و دور کردن این قشر از ایجاد اخلال و پاره‌ای از مفاسد اقتصادی می‌داند. آن حضرت در نامه ای به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، به - بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آن‌جا، شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی‌طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آنها بیندیش، چه در شهری که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم. این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او زیاده روی نکن (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۸۲). بنابراین، مقابله با فساد و مفسدین اقتصادی یکی از اصول مهم تفکرات امام علی (ع) می‌باشد. آن حضرت برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی داشت و به کارگیری مدیران شایسته از نظر اعتقادی، خانوادگی و شخصیتی، نظارت مستمر و دقیق بر اعمال کارگزاران حکومتی و

تأمین معیشت اقتصادی آنها و توصیه به ساده‌زیستی مدیران را برای از بین بردن مفاسد اقتصادی مهم و واجب میدانست.

### ۳-۲-۷. وظایف دولت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

از جمع‌بندی سخنان و سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه و منابع دیگر، می‌توان وظایف مهم اقتصادی دولت اسلامی را در این موارد خلاصه نمود: اخذ مالیات عادلانه از مردم و هزینه نمودن درآمدهای مالیاتی برای توسعه و عمران کشور، توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه، حمایت از تولیدکنندگان، صاحبان صنایع و بازرگانان، نظارت بر وجود یک نظام قیمت‌گذاری عادلانه، مقابله با احتکار و گران‌فروشی، نفی ربا در معاملات اقتصادی، مقابله با مفاسد اقتصادی (از قبیل: سوء استفاده‌های مالی و انحصارگری و سودجویی)، مقابله با فقر، ایجاد رفاه اجتماعی و کمک به نیازمندان و نظارت و بازرسی بر عملکرد کارگزاران دولتی.

### ۳-۳. مبانی حقوقی حقوق اقتصادی - اجتماعی

در این گفتار مسائل مختلف اقتصادی - اجتماعی را از جنبه حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار داده و تلاش کرده‌ایم تا عناصر اساسی و ضروری چنین تحلیلی را حداقل به صورت نظری تعیین و معرفی نمائیم. در این گفتار مبانی و اصول تحلیل حقوق اقتصادی - اجتماعی با استفاده از معیار قانون اساسی بوده است. قبل از ورود به بحث لازم است راجع به واژه‌های مبنا و اقتصاد در نظام حقوقی اسلام توضیح مختصری بیان کرده به مبانی حقوقی آن می‌پردازیم:

### ۳-۳-۱. مبنا در نظام حقوقی اسلام

در نظام حقوقی اسلام که یک نظام دینی است با توجه به علم بی پایان خداوند همه نیازها در اصول کلی و جزئی قوانین آن پیش‌بینی شده و خلأهای حقوقی آنگونه که در «نظام‌های حقوقی بشری غیردینی» دیده می‌شود، در آن وجود ندارد. زیرا در نظام حقوقی اسلام حق حکومت و قانون‌گذاری مختص ذات خداوندی است و هیچکس حق حکومت بر دیگری را ندارد، لذا وحی مبنای اصلی همه قواعد و مقررات حقوقی این نظام حقوقی به شمار می‌آید. یعنی آن چه مقررات و احکام فقه و حقوق اسلام را الزام آور می‌کند و به آن مشروعیت می‌بخشد، اتصال به وحی و صدور از منبع وحیانی



است (اردبیلی، ۲، ۱۳۹۷) ولی از آن جا که مشیت خداوند بر آزادی و اختیار انسان در مورد اعمال و سرنوشت خویش قرار گرفته است و با توجه به انقطاع وحی و این که در نظام حقوقی اسلام جایگاه اصل «اجتهاد» همانند جایگاه اصل قانونگذاری است و فقهاء و مجتهدین واجد شرایط موظف به استنباط احکام و قوانین الهی که کاشف از اراده تشریعی خداوند است می‌باشند؛ لذا از دیدگاه نظام حقوقی اسلام تنها قواعد و قوانینی در جامعه قابل اجرا است که مطابق با عدالت و یا حداقل منافی با آن نباشد. بنابراین می‌توان اصل عدالت یا عدم تنافی با عدالت را به عنوان مبنای عرضی و ثانوی قواعد و مقررات نظام حقوقی اسلام دانست (گل‌باغی ماسوله، ۷۲، ۱۳۷۸).

### ۲-۳-۳. مبانی نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی

در این بخش با استفاده از معیارهای لازم برای تشکیل یک نظام اقتصادی، نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی تبیین خواهد گردید (محقق، ۹۰، ۱۳۸۴).

#### ۱-۲-۳-۳. خدانشناسی

الف. رابطه خداوند با جهان طبیعت: پذیرش اسلام به عنوان دین رسمی کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در پی آن، پذیرش مجموعه اعتقادات ارائه شده توسط این دین مشترک، تعیین کننده بسیاری از معیارهای لازم در شکل‌گیری نظام اقتصادی مورد نظر نظام جمهوری اسلامی است. با پذیرش توحید و مراتب آن، از دیدگاه یک مسلمان موحد، خداوند نقش منحصر به فرد و تعیین کننده‌ای در خلقت و تدبیر جهان طبیعت به عهده دارد و همه چیز به او منتهی می‌شود و لحظه لحظه وجود این عالم منوط به اراده بلامنازع اوست.

از این‌رو، و با مدنظر قرار دادن آنچه در اصول اول و دوم فصل اول و اصل ۵۶ فصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است و با در نظر گرفتن اینکه اولاً، دین رسمی کشور در قانون اساسی، اسلام معرفی شده و توحید اصل نخستین اسلام به شمار می‌آید و ثانیاً، در موارد متعددی بطور صریح بر حاکمیت مطلق خداوند بر جهان تأکید شده است، می‌توان به قطع اذعان کرد که قانون اساسی جمهوری اسلامی در ترسیم نظام اقتصادی مورد نظر خود، از نظام‌های مادی فاصله گرفته و بر نقش بلامنازع خداوند در تمشیت لحظه به لحظه امور جهان، صحّه گذاشته است (محقق، ۹۱، ۱۳۸۴).

ب. رابطه خداوند با انسان‌ها: بر اساس اصول اعتقادی اسلام که در قانون اساسی دین

رسمی کشور شناخته شده است، انسان نیز به عنوان جزئی از جهان خلقت - و البته جزء برتر آن - تحت اراده مطلق خداوند قرار دارد و باید تسلیم محض این اداره باشد. رابطه میان خداوند و انسان، رابطه میان خادم و مخدوم است. خداوند آفریننده، نگه‌دارنده و هدایت‌کننده انسان است و عملکرد او را مورد داوری قرار داده، به او پاداش و عذاب می‌دهد.

در همین ارتباط، در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا.» همچنین در اصل ۵۶ قانون اساسی، این‌گونه عنوان شده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.»

### ۳-۲-۲-۲. انسان‌شناسی

الف. رابطه انسان با خداوند: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با احترام به جایگاه ویژه انسان و لزوم حرکت انسان به سمت تکاملی، که خداوند برای او میسر گردانیده است، طی اصول متعددی بر فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای رشد فضایل اخلاقی در جامعه تأکید می‌کند.

بر همین اساس، در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی با تأیید کرامت و ارزش والای انسان و پذیرش آزادی انسان، بر مسئولیت انسان در برابر خداوند تأکید شده است. یکی از ابتکارات مهم این اصل، تلفیق آزادی انسان با مسئولیت او در برابر خداوند است. در اصل سوم قانون اساسی نیز برای تحقق اهداف موردنظر در اصل قبلی، از جمله تحقق کرامت و ارزش والای انسان و انجام مسئولیت خطیر او در برابر خداوند، تأکید شده است که تمام امکانات دولت و نظام جمهوری اسلامی باید در جهت ایجاد محیط مساعد به منظور رشد فضایل اخلاقی و محو استبداد و رفع تبعیضات و ایجاد امکانات عادلانه بسیج گردند تا زمینه حرکت کمالی انسان فراهم گردد. در اصل ۴۳ زمینه‌های اجرایی تحقق اهداف عالی اسلام و نظام جمهوری اسلامی در تسهیل حرکت انسان به سوی

کمال پیش‌بینی شده است و ایجاد زمینه‌های لازم برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی در تنظیم برنامه‌های کشور از مسئولان کشور خواسته شده است.

ب. رابطه انسان با جهان طبیعت: با قبول این نکته که مالکیت حقیقی همه موجودات از آن خداوند است و هم اوست که انسان را مجاز به تصرف شمرده، باید بپذیریم که انسان نیز در بهره‌برداری از امکاناتی که در اختیار او گذاشته شده، موظف به رعایت موازین و معیارهایی است که خداوند مقرر داشته است.

در مورد مسئله «مالکیت»، در قانون اساسی تنها در سه مورد بحث شده که در هر سه مورد نیز قرارگرفتن در چارچوب قوانین اسلام، مصالح اقتصادی کشور و عدم زیان جامعه به رسمیت شناخته شده است. بر همین اساس، در اصل ۴۴ پس از شمارش بخش‌های اقتصادی کشور و فعالیت‌های زیرمجموعه هر بخش آمده است: «مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.» در اصل ۴۶ نیز مالکیت حاصل از کسب و کار مشروع، به عدم اضرار به کسب و کار دیگران مشروط گردیده است و در اصل ۴۷ نیز مالکیت شخصی ناشی از کار مشروع، محترم شمرده شده است. بنابراین، در نظام موردنظر قانون اساسی، به هیچ وجه مفهوم خویش مالکی و «مالکیت مطلق»، که یکی از ارکان اساسی نظام‌های اقتصادی غربی و مادی است، مورد پذیرش نمی‌باشد. یکی دیگر از نقاط اتصال انسان به جهان طبیعت، روش‌های تولید است که توسط انسان برای بهره‌برداری از منابع و مواد اولیه موجود در طبیعت، انتخاب می‌شود. در این مورد، مهم‌ترین شرطی که در قانون اساسی آمده، «عدم اسراف و تبذیر» در تولید، و خودکفایی در تولید کالاهای عمومی و مورد نیاز جامعه است. در اصل ۴۳ به این موضوع اشاره شده است.

از دیگر حلقه‌های ارتباطی انسان با چرخه طبیعت، «مصرف» است. منع اسراف و تبذیر، عدم تبعیض در بهره‌برداری و استفاده از درآمدهای ملی، توزیع عادلانه ثروت و بهره‌برداری صحیح از منابع، گرفتن مالیات برای تعدیل ثروت به منظور جلوگیری از بروز فاصله‌های فاحش طبقاتی از طریق تعدیل مالکیت‌های خصوصی اشخاص، همه چارچوب‌هایی هستند که قانون اساسی برای ترسیم الگوی مصرف صحیح در نظام اقتصادی موردنظر بر آن‌ها تأکید می‌کند.

مسئله دیگری که حاکی از عدم پذیرش مفهوم خویش مالکی و مالکیت بدون حد و حصر در قانون اساسی جمهوری اسلامی است، تأکید بر وظیفه‌ی دولت در پی‌ریزی اقتصاد صحیح، محور هرگونه انحصارطلبی، توسعه آموزش عالی و آموزش و پرورش، تهیه بودجه سالانه کشور، جلوگیری از جمع ثروت‌های نامشروع و استرداد آن‌ها و حفظ بیت‌المال مسلمانان، تضمین حقوق زنان، تأمین اجتماعی و بیمه‌های همگانی از محل درآمدهای عمومی است. علاوه بر آن، به دولت اجازه داده شده است که خود مستقیماً وارد عرصه اقتصاد گشته و اجرای برخی مسئولیت‌ها را رأساً به عهده بگیرد (محقق، ۹۲-۹۱).

### ۳-۲-۳. اقتصاد و انسان

در نظام اقتصادی برگرفته از قانون اساسی، آیا «اقتصاد» فی‌نفسه اصالت دارد و خود هدف شمرده می‌شود و یا صرفاً مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است؟ در این باره، تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقدمه این اصول، با تعیین جایگاه اقتصاد در نظام جمهوری اسلامی، چنین عنوان کرده‌اند: «اقتصاد وسیله است، نه هدف و در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدینجهت، در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی فراهم‌کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است» (همان منبع، ۹۲).

### ۳-۳-۳. اهداف اقتصادی قانون اساسی

اقتصاد پدیده‌ای است که نظام سیاسی کشورها با توجه و اتکا به آن شکل می‌گیرد و به صورت امری کاملاً سیاسی و حکومتی ظاهر می‌شود. در این روند، برای تعیین و تثبیت نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشورها، به طور معمول در قوانین اساسی، اصولی گنجانده می‌شوند که نشان‌دهنده نگرش حاکمیت به مسئله اقتصاد و نوع اقتصاد حاکم بر هر کشور می‌باشند. این اصول با طرح دیدگاه‌های کلی درباره مسائل اصلی اقتصاد جامعه

و پرهیز از ورود به موارد جزئی و متغیر، نقشی کاملاً مؤثر در سامان‌دهی اقتصاد هر کشور، متناسب با نگرش مورد پذیرش جامعه و حاکمیت سیاسی آن دارند. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی ۱۳ اصل، به طراحی اصول کلی اقتصادی جامعه پرداخته است؛ و از فصول مهم قانون اساسی به شمار می‌رود. در مجموع، هفت هدف اصلی در بخش اقتصاد و امور مالی قانون اساسی دنبال شده است:

۱. مبارزه با فقر و تأمین نیازهای اساسی در پرتو کار خلاق و ارزش افزوده‌ای که خود او در جامعه تولید می‌کند.

۲. آزاد نگه داشتن بخشی از وقت انسان برای این که فرصتی مناسب برای خودسازی و رشد انسانی و تعالی معنوی داشته باشد. به تعبیر دیگر، در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، تلاش برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی، نباید همه وقت افراد جامعه را بگیرد، بلکه مقداری از وقت آنان باید برای خودسازی انسانی، الهی و رشد معنوی، آزاد باشد.

۳. اعتدال در مصرف، مبارزه با اسراف و نفی هر نوع بهره برداری تخریبی نسبت به امکاناتی که خداوند در این طبیعت برای زندگی انسان‌ها در اختیار همگان قرار داده است.

۴. حفظ آزادی انسان در رابطه با عامل اقتصاد تا برده سرمایه‌داری خصوصی یا سرمایه‌داری دولتی نشود و آزادی و کرامت او در رابطه با عامل اقتصاد حفظ شود.

۵. تأکید بر استقلال اقتصادی کشور تا جامعه از نظر اقتصادی، خودکفا باشد؛ خود تولید کند و متناسب با نیازهای خود مصرف کند؛ چون در جهان امروز، وابستگی اقتصادی زیرینا و ریشه وابستگی‌های دیگر است و با استقلال جامعه سازگار نیست.

۶. تأکید بر تکامل فنی و صنعتی؛ زیرا پیشرفت‌های صنعتی از جلوه‌های انسان است و هیچ‌گاه نباید مورد غفلت قرار گیرد. بنابراین، در برنامه‌ریزی اقتصادی جامعه، باید بر آن تأکید شود.

۷. برقراری عدالت اقتصادی در استفاده از بیت المال و منابع طبیعی و جلوگیری از چپاول عده‌ای خاص؛ زیرا اولی از اموال عمومی است و دومی را خداوند برای همه افراد کشور در این طبیعت آفریده است (اولیائی‌پور، ۲۰۷-۲۰۸، ۱۳۶۹).

اصل‌های ۴۳ و ۴۴ به بسیاری از این هفت بعد اساسی اقتصاد توجه دارد. از این نظر، مناسب است اصول اقتصادی قانون اساسی با توجه به اهداف مزبور، برای رسیدن به توسعه‌های پایدار با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد:

اصل ۴۳: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و

برآوردن نیازهای انسان در مسیر رشد با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر این اساس استوار است:

۱. تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه برای رسیدن به اشتغال کامل. برای نیل به این منظور، باید وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار در اختیار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر قرار گیرد تا نه به تمرکز ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛

۵. منع اضرار بر غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر متناسب با توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور؛

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۵۷۵۸).

اصل ۴۳ همچنین بیان‌کننده وظایف و مسؤولیت‌های اسلامی در مقابل افراد جامعه است (خلیلیان، ۱۳۸۷).

### ۳-۳-۱. وظایف دولت اسلامی

در اصل سوم، طی ۱۶ بند، وظایف دولت اسلامی به تفصیل بیان گردیده است. اما از آن

جا که در این جا، بررسی اصول اقتصادی موردنظر می‌باشد، وظایف اقتصادی دولت با توضیح بندهای مطرح شده در اصل ۴۳ مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

### **بند اول تأمین نیازهای اساسی افراد**

جامعه را یکی از ضوابط اقتصادی قانون اساسی دانسته، برای رسیدن به این هدف، بند نهم افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی را تا حد خودکفایی برای تأمین نیازهای عمومی و رهایی از وابستگی لازم می‌داند. قابل توجه است که در این اصل، پس از ذکر هدف‌های سه‌گانه اقتصادی دو قید ذکر شده است:

اول. امکانات اقتصادی برای همه به گونه‌ای فراهم شود که ضمن تلاش برای تأمین این نیازها، آنان از رشد معنوی باز نمانند؛ به این معنا که تأمین نیازهای ضروری به گونه‌ای باشد که به رشد کشور در همه ابعاد کمک کند.

دوم. حفظ آزادی به این معنا که در حرکت‌های اقتصادی انسان به شکل ابزار در نیاید؛ زیرا بر اساس مبانی اقتصادی اسلام، اقتصاد باید در خدمت انسان باشد، نه انسان در خدمت اقتصاد. بنابراین، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای رسیدن به رشد اقتصادی، به انسانیت و شرافت و حیثیت افراد جامعه لطمه ای وارد نشود، بلکه حفظ و تقویت گردد.

بند نهم به ضمیمه بندهای هفتم و هشتم از اصل مذکور، راه‌های عملی رسیدن به استقلال اقتصادی را در این موارد می‌داند:

۱. لزوم استفاده از علوم و تربیت نیروهای انسانی متخصص برای توسعه اقتصادی کشور؛
۲. ممنوعیت هرگونه اسراف و تبذیر در زمینه‌های گوناگون؛
۳. نفی سلطه اقتصادی بیگانه به هر طریق ممکن.

بند اول به انضمام بندهای دوم و چهارم و پنجم، تأمین کننده رفاه نسبی جامعه با حفظ آزادی، عزت و شخصیت فردی و اجتماعی افراد آن می‌باشد و با توجه به بند سوم، می‌بینیم که قانون اساسی، حتی در موارد مربوط به اقتصاد و امور مالی نیز به ابعاد معنوی افراد جامعه برای خودسازی و بالابردن سطح آگاهی و مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی توجه دارد. از این رو، تنظیم ساعات کار و محتوای برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که افراد فرصت رسیدگی به هر دو جهت را داشته باشند. و مهم این که در بند دوم، تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌ها و هم چنین در دست دولت (به

گونه‌ای که دولت کارفرمای بزرگ مطلق باشد) نفی شده است. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه در جهت تأمین نیازهای زندگی افراد با حفظ شخصیت و آزادی آنان و همچنین رفع فقر و محرومیت از افراد جامعه برای رسیدن به رشد و استقلال اقتصادی می‌باشد (یزدی، ۳۲۴-۳۲۳، ۱۳۷۵). روشن است که مقصود از «برای همه» در بند دوم، همه کسانی می‌باشد که مایل به کار می‌باشند، ولی وسایل و امکانات برایشان فراهم نیست. اما کسانی که به دلیل تن پروری یا علل دیگری حاضر به کار نیستند، دولت نیز در مقابل آنان وظیفه‌ای ندارد؛ یا کسانی که از نظر جسمی قادر به کار کردن نیستند، باید تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرند و زندگی آنان از بیت‌المال با آبرومندی تأمین گردد. بنابراین، بهتر بود برای رعایت ویژگی‌هایی که برای قانون اساسی مطلوب در فصل اول بیان گردید، به جای جمله مذکور آورده می‌شد: دولت موظف است امکانات کار مولد را برای کلیه کسانی که علاقه‌مند و قادر به انجام آن هستند، فراهم کند (ماهر، ۱۵، ۱۳۵۸). قانون اساسی با مطرح کردن «فراهم آوردن وسایل کار برای همه» این نکته را متذکر می‌گردد که تنها هدف تأمین نیازهای روزمره افراد نیست (مانند پرداخت حق بی‌کاری و تأمین افراد بی‌کار در سطح حداقل معاش که در کشورهای غربی وجود دارد)، بلکه هدفش به وجود آوردن اشتغال است، آن هم از راه وام بدون بهره تا افراد به تدریج، مالک ابزار تولید گردند و برای خود کار کنند، نه برای دولت و از راه سودکار خود، اقساط وام را بپردازند. ولی برای این که افراد با گرفتن امکانات مذکور به صورت یک مالک بزرگ در نیایند این قید آورده شده که فراهم آوردن وسایل کار برای همه از یک سو، باید به گونه‌ای باشد که به تمرکز و تداول<sup>۲</sup> ثروت در دست اشخاص یا گروه‌های خاص منجر نشود و از سوی دیگر، وقتی افراد مالک ابزار تولید و حاصل کار خود باشند، دولت نیز به صورت یک کارفرمای بزرگ در نمی‌آید. قرآن کریم گردش ثروت در دست ثروتمندان جامعه (همراه با محرومیت دیگران) را نفی می‌نماید<sup>۳</sup>. اسلام نمی‌خواهد سرنوشت اقتصاد در دست عده‌ای سرمایه‌دار بزرگ باشد و سرمایه و ثروت جامعه صرفاً در دست آنها گردش کند.

۲. تداول ثروت به این بضاعت که ثروت در انحصار کسانی قرار گیرد که در اقلیتند و اکثریت افراد جامعه محروم بمانند و با چرخش ثروت در دست آن اقلیت، بیش‌تر منافع به جیب آنان سرازیر گردد.

۳. (حشر: ۷) آنچه را که خدا از اموال کافران ديار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیز باید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بپذیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عذاب خدا بسیار سخت است.



همچنین نمی‌خواهد هیأت حاکمه و دولت اسلامی به صورت یک کارفرما و سرمایه‌دار بزرگ درآید و همه اسیر و مزدبگیر دولت باشند؛ زیرا دولت اسلامی سرمایه‌دار و کاسب نیست، بلکه ناظم و ناظر بر امور بوده، مسؤول اجرای قوانین می‌باشد. اموال عمومی و بیت‌المال نیز برای همه افراد کشور و نسل‌های آینده است و باید طبق مصالح عمومی مصرف گردد و دولت موظف به تدوین برنامه‌هایی دقیق و جامع با نگرش کلی به تمام بخش‌هاست؛ نباید اموال و منابع عمومی را به گونه‌ای صرف نماید که به تمرکز و تداول ثروت در دست عده‌ای خاص منجر شود یا خود به صورت کارفرمایی بزرگ درآید. روشن است که با رعایت اصل مذکور و اجرای دقیق آن، مسأله اشتغال، که یکی مشکلات اقتصادی کشور است، حل می‌گردد و در نتیجه، با شیوه‌ای کارآمد حداقل نیازهای اساسی برای همگان تأمین می‌گردد (خلیلیان، ۴۰، ۱۳۸۷).

در بند چهارم، حق آزادی انتخاب شغل مطرح گشته که در اصل بیست و هشتم نیز با صراحت و تفصیل بیش‌تر بیان شده است. بهره‌کشی مذکور در این بند زمانی صادق است که قیمت متعارف و متعادل به عامل داده نشود و در حقیقت، تمام یا قسمتی از حق کسی را برداشتن (در هر شکل و صورتی که باشد) بهره‌کشی است. اما اگر کسی کار کند و براساس قیمت بازار مزد کارش را بگیرد، به آن «بهره‌کشی» نمی‌گویند. به هر صورت دولت اسلامی، موظف است محیط اجتماعی را به گونه‌ای بسازد که افراد به حق قانونی خود برسند و حقوق آنان توسط کارفرما پای مال نگردد (یزدی، ۳۳۹-۳۳۰، ۱۳۷۵).

است که «آزادی انتخاب شغل» محدود به رعایت مصالح عمومی است. به عنوان مثال، اگر کسی بخواهد شغل خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار دهد، دولت موظف به جلوگیری از اوست و هیچ‌کس به بهانه آزادی انتخاب شغل، نمی‌تواند از این راه درآمد کسب کند، باید مصلحت جامعه در جهت تأمین نیازهای اساسی رعایت گردد. همچنین اگر همه افراد جامعه بخواهند در زمینه‌های خدماتی، فنی، مهندسی و یا پزشکی خدمت نمایند؛ نیاز کشور به تولید محصولات کشاورزی و خودکفایی در این زمینه از چه راهی تأمین می‌گردد؟ این جاست که نقش دولت در هدایت افراد و جلب آنان با ایجاد جاذبه و امکانات در تمام رشته‌های موردنیاز، ضرورت می‌یابد (ماهر، ۲۵، ۱۳۵۸).

بند پنجم و ششم با «منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار، ربا، معاملات حرام و باطل» و نیز «اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد»، اصل کلی نفی ضرر در تمام اشکال آن، اعم از ضرر رساندن فرد به جمع یا بعکس و ضرر رساندن دولت به جامعه

یا حتی فرد به خودش را متذکر می‌گردد و تجاوز از حد و اتلاف و تضييع اموال را نیز ممنوع می‌گرداند. از این رو، دولت اسلامی نیز اگر برای تأمین مصلحت جامعه، تصمیم به احداث جاده در املاک و خانه‌های شخصی مردم گرفت، باید قیمت عادلانه آن را به صاحبانش بپردازد. هم چنین انحصار فعالیت‌هایی که ضرورتی به دخالت دولت در آنها نیست به بخش دولتی، نوعی ضرر رساندن به جامعه و تحمیل هزینه‌هایی بر آنان است که از نظر قانون اساسی، ممنوع می‌باشد. بنابراین، دولت اسلامی باید با رعایت اولویت‌ها در هر بخش، امکانات موجود را به گونه‌ای در اختیار هر بخش قرار دهد که از اسراف و تبذیر بیت‌المال و منابع عمومی جلوگیری شود و اقتصاد کشور همراه با حفظ استقلال در جهت ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت، نیازهای اساسی افراد را تأمین کند و آنان را به پیش ببرد.

بند هفتم درباره استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر متناسب با توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور است. برای داشتن استقلال اقتصادی و رشد و پیشرفت در همه رشته‌ها لازم است کارشناسان و دانشمندی متعهد و متخصص در همه زمینه‌ها از هم میهنان خود داشته باشیم و حرکت در این جهت، گامی عملی برای «جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور» (هدفی که در بند هشتم آمده) است. در این زمینه باید از کلیه روابط، مبادلات و قراردادهایی که منجر به سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور می‌گردد، اجتناب شود. به عنوان نمونه، گرفتن وام‌های خارجی با بهره‌های سنگین و شرایطی که آنها تعیین می‌کنند یا سرمایه‌گذاری خارجی به گونه‌ای که بیگانگان در خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها نقش تعیین‌کننده داشته باشند، از کارهایی است که موجب وابستگی کشور به بیگانگان و سلطه اقتصادی آنان می‌گردد. بدین روی، حرکت برای خودکفایی در تولید کالاهای حیاتی و حساس و خود اتکایی در تمام زمینه‌ها، راهی اساسی برای رسیدن به استقلال کامل اقتصادی است.

بند نهم از این اصل با تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی در جهت رسیدن به هدف مذکور می‌باشد؛ تا کشور بتواند روابط خود را بر اساس مصالح و منافع ملی تنظیم کند و از آن در جهت کمک به رشد و تکامل صنعت و فن‌آوری استفاده نماید. مهم در این جا، پرهیز از وابستگی و سلطه‌پذیری است تا بیگانگان نتوانند از طریق وابستگی اقتصادی، فرهنگ و سیاست‌های استعماری خود را بر کشور تحمیل کنند (همان منبع، ۳۵۴-۳۵۲).

### ۳-۳-۲ بخش‌های اقتصاد

اصل ۴۴: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های آب رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی رانی، راه و راه آهن و مانند این‌هاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.» (خلیلیان، ۴۱، ۱۳۸۷).

مالکیت در این سه بخش، با چهار شرط مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است:

۱. با اصول دیگر منطبق باشد؛

۲. از محدوده قوانین اسلام خارج نشود؛

۳. موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد؛

۴. موجب زیان جامعه نشود.

تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر بخش را قانون معین می‌کند. بر طبق اصل مذکور، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و خبرگان کشور برای تأمین مصالح جامعه، علاوه بر بخش خصوصی و عمومی، بخش تعاونی را به عنوان یکی از بخش‌های مستقل اقتصاد کشور قرار داده‌اند. بنابراین، علاوه بر دولت و افراد، شخصیت‌های حقوقی نیز با عوامل شرکت‌های تعاونی می‌توانند مالک گردند، اگر چه در بخش دولتی نیز به واقع مالک اصلی مردم می‌باشند.

بخش دولتی: معنای جمله «به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است» این می‌باشد که ملک دولت نیست، بلکه جزو ثروت‌های ملی است؛ و دولت نمی‌تواند به دلخواه خود در آن‌ها تصرف نماید، بلکه موظف است تنها در جهت مصالح عموم آن‌ها را به کار گیرد و دلیل انحصار بخش‌های مذکور در اصل چهل و چهارم تأمین اهداف سه گانه مذکور در اصل ۴۳ و رعایت مصالح کلی کشور و عموم می‌باشد.

بخش دولتی: بازرگانی خارجی از همه بحث برانگیزتر بوده است. در مجلس شورای اسلامی، جناح‌های مختلف سیاسی بحث‌های زیادی درباره آن کرده‌اند و سرانجام، امام

راحل (رحمه الله) در مقابل برخی از کسانی که به دولتی کردن همه کارها گرایش داشتند، تأکید کردند که مردم را در کارها مشارکت بیش تری بدهند. به هر حال، هدف قانونگذار از دولتی کردن بازرگانی خارجی، این بوده که از راه مهار آن توسط دولت، از ورود کالای غیر ضروری و چیزهایی که در داخل قابل تولید است، جلوگیری گردد و این به معنای آن نیست که بخش خصوصی در صادرات و واردات دخالتی نداشته باشد و این کار تماماً به وسیله دولت انجام گیرد؛ زیرا دولت تاجر خوبی نیست، ولی ناظر خوبی است. بنابراین، برای تأمین مصالح کلی نظام، بخشی از اقتصاد ما دولتی است.

بر اساس اصل چهل و چهارم سپردن بخش‌های سیزده گانه مذکور در متن قانون به بخش خصوصی یا تعاونی خلاف قانون است و این یک حکم عقلی و منطقی است که گاهی باید فوایدی را برای حفظ مصالحی مهم‌تر از آن فدا نمود؛ رعایت ضرورت‌ها از این نمونه است.

**بخش تعاونی:** ملاحظه می‌شود که در اصل چهل و چهارم، تنها در ذیل بخش تعاونی، قیدی آمده و تصریح شده است که شرکت‌های تعاونی، طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود و نسبت به دو بخش دیگر، چنین مطلبی ذکر نشده است. علت آن این است که در برخی از انواع تعاونی‌های مرسوم در نظام سرمایه‌داری، قیود و شرایطی وجود دارد که با اصول اسلامی تطبیق نمی‌کند و با تصویب قانون تعاونی‌ها در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، قید مذکور تأمین می‌گردد (یزدی ۳۷۲-۳۶۹، ۱۳۷۵).

به هر روی، بخش تعاونی مستقل است نه دولتی و نه خصوصی. از آن جا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و گرایش وسیع مردم به فعالیت‌های تعاونی و هم‌کاری‌های متقابل اجتماعی، زمینه مطلوبی برای حضور فعال مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم گردید، بخش مذکور در متن قانون اساسی به عنوان بخش مهمی از نظام اقتصادی کشور تدوین گردید. برای بخش تعاونی دو فایده مهم می‌توان ذکر کرد:

الف. مشارکت کسانی که به تنهایی قادر به شرکت مستقل در فعالیت‌های اقتصادی نیستند. هم چنین این بخش عامل مهار و تعدیل فعالیت‌های بخش خصوصی و دولتی می‌باشد.

ب. بخش مذکور هماهنگ با ارزش‌های اسلامی و در جهت هم‌کاری، تعاون و هم‌یاری عمومی در همه زمینه‌هایی که مصداق برّ و نیکی است؛ مشارکت مردمی را در صحنه‌های اقتصادی تقویت می‌کند. با این وجود، تا پایان برنامه اول توسعه و آغاز برنامه دوم، بخش

دولتی قریب ۸۵٪ و بخش خصوصی قریب ۱۳/۵ درصد و بخش تعاونی تنها ۱/۵ درصد اقتصاد را در اختیار داشته و برنامه دوم نیز وضعیت این بخش را در پایان برنامه روشن نکرده است که چه سهمی از اقتصاد را در اختیار داشته و رشد آن چگونه خواهد بود؛ و یا این که محتوای کلی و روح حاکم بر قانون اساسی مبتنی بر اهمیت دادن به این بخش و گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی است؛ ولی برنامه‌ریزان به دلیل وجود مشکلات یا دلایلی دیگر، به بخش مذکور توجه لازم ننموده‌اند (محمدباقر صدری، روزنامه اطلاعات، نهم آذر ۱۳۶۷، ص ۶). نکته مهم این که آنچه مورد نظر قانون اساسی است در بخش تعاونی، تعاونی‌های صنفی متداول نیست، بلکه منظور دخالت دادن هر چه بیش‌تر مردم در امور اقتصادی است تا تشکل آنان در تعاونی‌ها موجب جمع سرمایه‌ها و هدایت و مهار اقتصاد جامعه به دست افراد و در نهایت، کمک به توزیع عادلانه ثروت باشد (همان منبع، ۴).

**بخش خصوصی:** بخش خصوصی چندان محدودیتی ندارد و شامل کشاورزی به معنای وسیع آن دام‌داری و انواع صنعت، تجارت و خدمات می‌گردد و مردم می‌توانند در آن سرمایه‌گذاری نموده، نقش خود را در گردش چرخ‌های اقتصاد کشور ایفا کنند. تنها قیدی که برای آن ذکر گردیده این است که بخش خصوصی مکمل دو بخش دیگر باشد؛ به این معنا که بخش مذکور در مجموعه حلقه‌های به هم پیوسته اقتصاد کلان، کارهایی را در جهت تکمیل فعالیت‌های بخش دولتی و تعاونی بر عهده بگیرد. پس تا جایی آزاد است که بخش دولتی و تعاونی را مختل نسازد. مکمل بودن بخش خصوصی و حرکت آن در محدوده تعیین شده از سوی دولت، مغایرت تام با بخش خصوصی سرمایه‌داری و عملکرد آن در ایران دارد که در طول چند دهه غلبه سرمایه‌داری، همواره دولت کارگزار و در خدمت آن بوده است. بنابراین، وجود بخش خصوصی در صورتی در الگوی توسعه مبتنی بر نظام جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است که عملکرد این بخش، سرمایه‌داری به معنای «جست و جوی حداکثر سود به هر طریق ممکن و در هر شرایط» نباشد (رزاقی، ۱۳۳۰، ۱۳۷۰). براساس شروط چهارگان‌های که در پایان اصل چهل و چهارم درباره حدود و مالکیت در بخش‌های سه‌گانه بیان گردیده است، حدود این تملک باید با اصول دیگر مذکور در این فصل یعنی از اصل ۴۳ (که در آن‌ها تکلیف انفال و اموال عمومی و درآمد‌های اشخاص حقیقی و راه‌های مشروع و نامشروع گرفتن مالیات‌ها و توزیع عادلانه امکانات و بودجه کشور و محاسبه آن معین شده) مطابقت داشته باشد و

از محدوده قوانین اسلام خارج نشود. (این قید مفاد اصل چهارم می‌باشد).

براساس قید سوم نیز اگر دولت یا شرکت‌های تعاونی و یا اشخاص حقیقی اموال و ثروت‌هایی در اختیار بگیرند و آن‌ها را راکد بگذارند، مالکیت آنان مورد حمایت نیست و باید ممنوع شود و از آن‌جا که مصلحت جامعه بر مصلحت فرد تقدم دارد، مالکیت هیچ بخشی نباید موجب ضرر و زیان جامعه گردد. روشن است که چهار شرط مذکور برای تعیین حدود مالکیت در کلیت خود، متین و محکم است، ولی همان گونه که در آخر این اصل ذکر شده، ضوابط تفصیلی آن را باید قانون معین کند.

اصل ۴۵: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

جمعاً پانزده مورد از مصادیق انفال در اصل مذکور ذکر شده، اما این که مالک آن کیست، مورد بحث اصل مذکور نمی‌باشد. از این رو، از کلمه «در اختیار» استفاده شده و هدف قانون‌گذار تعیین تکلیف بهره‌گیری از این اموال است. لازم به ذکر است که در این اصل، حکومت اسلامی مطرح گشته، نه دولت اسلامی؛ یعنی در اختیار حاکمیت نظام و مجموعه حکومت است و با توجه به بحث‌های اصل پنجم، اختیار آن با رهبر و ولی فقیه می‌باشد.

### ۳-۳-۳. مالکیت مشروع

اصل ۴۶: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت، نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند».

اصل ۴۷: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

دو اصل قبلی که دومی یکی از فروع اصل اول است، یکی از اساسی‌ترین مبانی مالکیت را ذکر می‌کند و بیانگر این است که ملاک رابطه بین مالک و مملوک در درجه اول، کار و تلاش انسانی است. هر کس از راه زحمت و با تلاش و کوشش خود، درآمد و ثروتی

به دست آورد، حاصل کار متعلق به خود اوست. البته روشن است که این کار و تلاش باید مشروع و قانونی باشد (یزدی، ۳۷۳-۳۸۲، ۱۳۷۵).

شهید مطهری (رحمه الله) در این باره می نویسد: «خوشا به حال اجتماعی که سیستم اقتصادی اش به شکلی باشد که راه درآمد منحصر به فعالیت باشد و آثار تلاش و کوشش فرد مخصوص خودش باشد! و بدا به حال اجتماعی که کار و تلاش در آن اجتماع صرف نکند، اما بورس بازی و کارهای غیر تولیدی و انحرافی در آن صرف بکند (سودآور باشد) و بالاخره، فعالیت مفید و سالم در کار نباشد! و نیز بدا به حال اجتماعی که هر چند راه درآمد غیر مشروع را بسته، اما راه کسب درآمد را از نظر شخصی باز نگذاشته است و تز «کار به قدر استعداد» و «خرج به قدر احتیاج» پیش کشیده است (مطهری، ۲۴۲۵، ۱۳۷۳).

### ۳-۳-۴. مالیات و بودجه

اصل ۵۱: «هیچ نوع مالیاتی وضع نمی شود، مگر به موجب قانون. موارد معافیت، بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود».

این اصل حق جعل مالیات را به قوه مقننه منحصر می کند تا هر مسئول اجرایی، به ویژه استانداری ها و شهرداری ها نتوانند بر اساس نیازهای محلی و سلیقه شخصی مالیات وضع نموده یا با هدف های شخصی، فرد یا گروهی را از دادن مالیات معاف نمایند یا برایش تخفیف بی جا و تبعیض آمیز قایل شوند. در این جا، بحث های دیگری نیز درباره اولی یا ثانوی بودن حکم اخذ مالیات از طرف دولت مطرح است که بررسی آن ها مجال دیگری می طلبد.

اصل ۵۲: «بودجه سالانه کشور، به ترتیبی که در قانون مقرر می شود، از طرف دولت، تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مقررات مقرر در قانون خواهد بود. در کل، باید مجموع درآمدها و هزینه ها تطبیق کند و هر نوع جابه جایی از بخشی به بخش دیگر بر اساس مقررات و قوانین و با اجازه و تصویب مجلس شورای اسلامی انجام گیرد و نظارت بر اجرای دقیق ارقام بودجه بر عهده دیوان محاسبات است که بحث آن خواهد آمد».

اصل ۵۳: «کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداخت ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد».

در یک دید کلی، می توان گفت: سه اصل اخیر دولت را موظف می سازد تا کل کشور را

به منزله یک خانواده بزرگ بنگرد و درآمد و هزینه‌های آن را به گونه‌ای تنظیم نماید که با حفظ استقلال اقتصادی، عزت و آبروی خود را در میان دیگر کشورها حفظ کند. برای این کار باید آنچه از هر کس به عنوان مالیات دریافت می‌شود بر اساس قانون و سنجش نیاز و مصلحت باشد و به شکل سالانه تنظیم گردد و همه آن‌ها در یک جا متمرکز و به طور عادلانه در سراسر کشور توزیع گردد (خلیلیان، ۱۳۸۷، ۴۳).

### ۳-۳-۵. حفظ محیط زیست و منابع ملی

اصل ۵۰: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن، حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

مهم‌ترین تحول در زمینه تصویب مقررات و تضمین اقدامات زیست محیطی پس از انقلاب اسلامی، تصویب اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و در حقیقت، با اختصاص یکی از اصول قانون اساسی برای حفاظت محیط زیست (که به ندرت در قوانین اساسی سایر کشورها به چشم می‌خورد) بر ضرورت و اعتبار اجرای مقررات مربوط به محیط زیست تأکید شده است. در تحقق اصل مذکور، برای حفاظت از محیط زیست، به نحوی که با حفظ تعادل موجبات رشد و اعتلای انسان فراهم آید، اهداف کمی ذیل در نظر گرفته شده است:

۱. ترمیم اثرات سوء گذشته در محیط زیست؛
۲. پیش‌گیری از تخریب و آلودگی محیط زیست؛
۳. ارزیابی ظرفیت قابل تحمل محیط در جهت بهره‌وری معقول و مستمر از محیط زیست؛
۴. تدوین ضوابط و استانداردهای زیست محیطی؛
۵. نظارت مداوم بر بهره‌برداری از منابع محیط زیست؛
۶. برخورد فعال با زمینه‌های بحرانی محیط زیست شامل آلوده‌سازی بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط.

جالب توجه است که در متن اصل مذکور، به این نکته مهم توجه شده که محیط زیست متعلق به نسل کنونی و نسل آینده است و به گونه‌ای باید مورد استفاده قرار گیرد که



نسل آینده نیز بتواند در آن، حیات روبه رشدی داشته باشد. این فرایندی است که طی دو دهه اخیر با اصطلاح «توسعه پایدار» به آن توجه شده است؛ به این معنا که ضمن تأمین نیازهای نسل حاضر، نسل آینده را فدا نسازیم. بنابراین، با توجه به ضرورت پایدار بودن توسعه، تنها نباید رفاه نسل حاضر و حداکثر نمودن آن را در نظر گرفت، بلکه باید به گونه‌ای عمل شود که رشد و توسعه کشور تداوم یابد و پایدار بماند (روزنامه اطلاعات، ۵، ۱۳۶۸).

در پایان اصل ۴۴، برای مالکیت در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی این نکته ذکر گردیده است که مالکیت در هیچ کدام از این بخش‌ها نباید به زیان جامعه باشد. بنابراین، صید، احیا و امثال آن در اسلام، از عوامل مالکیت آور است؛ یعنی اگر کسی از دریا و رودخانه آزاد یا دشت و کوه صید کند، یا از جنگل چیزی به دست آورد یا زمین مواتی را با کشت و زراعت احیا کند یا ساختمان و بنایی روی آن بسازد مالک آن می‌گردد، در صورتی که می‌دانیم دریا، صحرا، کوه و دشت و جنگل از انفال بوده و ملک امام و در اختیار حکومت اسلامی است. بنابراین، فعالیت‌های مذکور باید با موافقت حاکم اسلامی باشد. در نتیجه، اگر فعالیت‌های مشخص، در چهارچوبه مقررات حکومتی انجام گیرد یا دست‌کم ممنوع نباشد، مالکیت آور است. اما اگر خلاف مقررات بوده و به ضرر جامعه باشد مانند صید در مناطق ممنوع یا در فصل‌هایی از سال که ممنوع است یا با ابزارهای ممنوع و یا بهره‌برداری از جنگل به گونه‌ای که با تخریب و تضييع همراه باشد مالکیت آور نیست (محمد یزدی، ۱۳۷۵، ۳۶۳).

اصل چهل و پنجم نیز انفال را در اختیار حکومت دانسته است تا طبق مصالح عموم، نسبت به آن‌ها عمل شود. می‌بینیم که همه این اصول، به ویژه اصل ۵۰، برای بالابردن کارایی همراه با تأمین افراد جامعه می‌باشد که شیوه‌های آن در اصل چهل و سوم مطرح گردیده است (خلیلیان، ۴۴، ۱۳۸۷).

### ۳-۳-۶. نظارت بر امور مالی و جلوگیری از تخلفات

اصل ۵۴: «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.»  
اصل ۵۵: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء، از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند،

به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حساب‌رسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوّب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.»

اصل ۵۴ مربوط به تشکیلات دیوان محاسبات و اصل ۵۵ مربوط به حدود وظایف آن می‌باشد. دیوان محاسبات حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون، جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود، به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود. بر اساس اصل ۵۵، هدف از رسیدگی یا حساب‌رسی کلیه حساب‌های وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، دو چیز است:

۱. نظارت بر عملیات مالی کلیه دستگاه‌ها تا مشخص گردد هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوّب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده است.

۲. شناخت موارد تخلف و برخورد با متخلف طبق قانون که در حقیقت، می‌توان گفت: هدف اصلی حفظ بیت المال و اموال عمومی است تا مورد حیف و میل قرار نگیرد.

به دلیل اهمیت کار دیوان محاسبات در نظارت بر دستگاه‌های دولتی و حفظ سلامت و جلوگیری از فساد و انحطاط در این دستگاه‌ها، در پایان اصل اخیر آمده است که «گزارش کار دیوان باید در دسترس عموم قرار گیرد.» (محمد یزدی، پیشین، ۴۰۱-۴۰۰).

دولت اسلامی موظف است امکانات و درآمدهای ملی را میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، فراخور نیازها و استعدادهای رشد‌طوری تقسیم و توزیع نماید که هیچ‌گونه تبعیضی در کار نباشد. این مطلب (تأمین حداقل نیازها برای همه آحاد ملت و در تمام مناطق) در اصل ۴۸ مورد توجه قرار گرفته است.

اصل ۴۸: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.»

نه تنها حساب‌های مالی دولت توسط دیوان محاسبات کنترل می‌گردد و بدین وسیله، راه بر بسیاری از تخلفات و سوء استفاده‌ها بسته می‌شود، بلکه علاوه بر این، دولت موظف است کلیه ثروت‌های نامشروع حاصل از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار... را به صاحبان اصلی آن ردّ نموده و در صورت معلوم نبودن به بیت‌المال واریز نماید. این مطلب در اصل ۴۹ مطرح گردیده است. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق

و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود. البته برخی تصور کرده‌اند این اصل بیانگر قانون معروف «از کجا آورده‌ای» است. در نتیجه، باید بتوان دارایی فردی را که معلوم نیست از راه مشروع به دست آورده از او گرفت، در حالی که این اصل مربوط به اموال کسانی است که قطعاً از راه نامشروع به دست آورده‌اند. و در موارد مشکوک، اصل بر مشروع بودن اموال افراد می‌باشد. بدین روش، در آخر این اصل آمده‌است: «این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود». واضح است که اجرای دقیق این اصل راه بر هر گونه سوء استفاده‌های شخصی و دولتی در امور اقتصادی می‌بندد و نقش اساسی در جلوگیری از مفاسد و منکرات اجتماعی دارد، به گونه‌ای که هر کس خود را در مقابل تخلفاتش مسؤول می‌بیند.

### ۳-۳-۷. بازنشستگی و تأمین اجتماعی

برخی از افراد یک جامعه ممکن است به علل گوناگون از قبیل حوادث غیرمترقبه، از کارافتادگی و پیری قادر به کارکردن نباشند و یا سرپرست و نان آور خود را از دست بدهند و یا از ابتدای تولد، دارای نقص عضو و یا ضعف شدید جسمانی بوده، به گونه‌ای که توان کار و کسب درآمد نداشته باشند یا ممکن است افرادی موقتاً نیاز به کمک مالی داشته باشند. همه این موارد را قانون اساسی پیش بینی نموده است. اصل ۲۹ در این زمینه می‌باشد.

اصل ۲۹: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

لازم به توضیح است که بجز مورد «در راه‌ماندگی» بقیه عناوین در صورتی باید از طریق بیت‌المال کمک شوند که نیاز داشته‌باشند، و گرنه اگر کسی پیر و از کارافتاده یا بی‌سرپرست گردد، ولی منابع درآمد از ثروت‌های گذشته داشته باشد، وجهی برای کمک‌های تأمین دولت از بیت‌المال برای او نیست، مگر آن که بر اساس قرارداد، هر ماه مقداری از حقوق او کسر شده باشد تا پس از مثلاً سی سال ماهانه به او مبلغی پرداخت گردد، ولی حتی در این مورد نیز بیش از مقداری که شخص به صندوق بازنشستگی داده

در صورتی که نیاز به آن نداشته باشد) و تأمین مابه‌التفاوت از طریق بیت‌المال، وجهی ندارد (یزدی، پیشین، ص ۲۸۹-۲۸۵).

اصل سی و یک تضمین تأمین نیاز اساسی مسکن برای کلیه افراد کشور با رعایت اولویت است و اجرای آن را یکی از وظایف دولت اسلامی می‌داند. بنابراین، وجود دو اصل اخیر با رعایت نکته‌ای که اخیراً بیان گردید، تأمین افراد جامعه را همراه با کارایی اقتصادی به دنبال دارد. بدیهی است با تضمین کارایی در اقتصاد و تأمین برای افراد جامعه و توجه به حفظ محیط زیست و بهره‌برداری صحیح از منابع ملی، راه رسیدن به توسعه‌های پایدار هموارتر می‌گردد.

### ۳-۳-۳. مشارکت مردمی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق مشارکت همگانی، عرصه‌هایی در نظر گرفته است. این عرصه‌ها با توجه به جامعیت انسان و نیازهای گوناگون او تعیین گشته است. یکی از این عرصه‌ها در زمینه فعالیت‌های اقتصادی است. از آن جا که مسائل اقتصادی به طور مستقیم با زندگی مردم مرتبط است و محور توسعه نیز انسان و هدف آن رشد انسان است، بنابراین ضرورت می‌یابد که مردم حاکم بر سرنوشت خویش، تعیین کننده اهداف توسعه و مجری اصلی آن باشند. بر این اساس، مهم‌ترین رکن توسعه مردمند (جهانیان، ۴۳، ۱۳۷۶)؛ زیرا مشارکت مردم در امور صرفاً یک مسأله سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه مشارکت آنان در امور به یک ضرورت تام اقتصادی نیز بدل شده است.

مردم با مشارکت خود در اداره امور، علاوه بر جلوگیری از انحراف احتمالی به دلیل تمرکز زیاد قدرت در دست بخش دولتی و ممانعت از فساد برخی مسئولان و مأموران دولتی، سلامت حرکت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نظام را تأمین می‌کنند. علاوه بر این، با مشارکت در توسعه اقتصادی دولت به روش «جهادی» و «بسیجی»، هزینه اجرای طرح‌ها را به شدت کاهش داده با ابتکار و خلاقیت‌های خود، رشد صنعتی، علمی و فنی جامعه را در جهت کاهش وابستگی صنعتی و فن‌آوری افزایش می‌دهند.

علاوه بر جهات مذکور، مردم ضمن هم‌کاری با دولت، داوطلبانه برای تغییر الگوی مصرف که در جامعه ما وابستگی اقتصاد کشور را تشدید می‌کند اقدام می‌کنند و به دولت فرصت می‌دهند تا زمان راه‌اندازی واحدهای تولیدی واقعی، مصرف را به تعویق اندازد.

به همین روال، مردم، با دقت، در استحکام بخشیدن به کارها و افزایش کیفیت‌ها، بازدهی کار را افزایش وابستگی را به حداقل می‌رسانند (رزاقی، ۳۶، ۱۳۷۳). بنابراین، مشارکت هر چه بیش‌تر مردم در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه برای رسیدن به توسعه‌های پایدار و حفظ کرامت و آزادی انسان و پیمودن این مسیر با موفقیت و کارایی بالاتر، اثرات سریع و آشکار بر زندگی مادی و اخلاق و رفتار آنان دارد. بنابراین، مهم این است که مردم احساس کنند در زمینه‌های مختلف به افکار و نظرات آن‌ها بها داده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها سهیمند. در این صورت، آنان مشکلات کشور را بهتر درک می‌کنند و با مسئولان و دولت مردان خود برای رسیدن به توسعه‌های پایدار همراه با رشد و تعالی افراد جامعه، هم‌کاری و هم‌یاری بهتری خواهند داشت.

از آن‌جا که یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن مردمی بودن این نهضت، وحدت کلمه و انسجام مردم بوده‌است، بدین‌روی، قانون اساسی در اصول متعدد خود، بر این عامل تأکید نموده و در جهت تقویت آن برآمده‌است. اصل ششم بیان می‌دارد که امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود و انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای محلی در همین زمینه است. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و ذکر بخش‌های تعاونی به عنوان یکی از بخش‌های مستقل اقتصاد نیز همه در جهت تأمین مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمه الله) همواره بر این اصل تأکید می‌نمودند. در یکی از پیام‌های خود در مقابل گرایش به دولتی نمودن کارها می‌نویسند:

«چنانچه کراماً تذکر داده‌ام، بی شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و هم‌کاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهید شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.» (خلیلیان، ۱۳۸۷، ۴۶).

مشارکت عمومی به طور طبیعی، قدرت تصمیم‌گیری را توزیع و آن را از انحصار گروه‌های خاص بیرون می‌آورد. روشن است که اجرای صحیح و دقیق اصولی که متضمن مشارکت مردم در صحنه‌های اقتصادی جامعه و دیگر زمینه‌هاست کارایی اقتصاد را بالا برده، از این طریق، تأمین عمومی در سطحی بالاتر و بهتر قابل انجام می‌باشد.

در نتیجه، ادعا بر این نیست که اصول و مواد مطرح شده در قانون اساسی کشور ما بدون نقص و عیب است، ولی در نوع خود، از جامعیت خوبی برخوردار بوده و حاوی امتیازاتی است که بسیاری از قوانین اساسی دیگر کشورها این ویژگی‌ها و مزیت‌ها را ندارد؛ نیازهای مادی و معنوی با تضمین هر دو بعد «کارایی» و «تأمین» برای رسیدن به توسعه‌های پایدار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. ولی مهم اجرای دقیق آن است؛ زیرا بهترین قوانین هم در صورت اجرا نشدن، ورق پاره‌ای بیش نیست؛ و از آن جا که از نظر اسلام، اقتصاد و امور مربوط به آن، وسیله و ابزاری است برای رفع نیازهای انسان در جهت رشد و تعالی و تکامل او، باید همواره در نظر داشته باشیم که از وسیله جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان انتظاری داشت و هر زمان که خود به عنوان هدف قرار گیرد، هم چون نظام‌های اقتصادی دیگر، با تمرکز و تکاثر و سودجویی، عامل فساد و تباهی انسان می‌گردد.

حاصل آن که با توجه به اصول اقتصادی قانون اساسی، به ویژه اصل چهل و سوم، رسیدن به «توسعه پایدار»، که نتایج آن برای نسل حاضر و نسل‌های آینده تداوم یابد امور ذیل مورد تأکید است:

۱. پیمودن مسیر توسعه با اتکا بر امکانات داخلی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و استفاده صحیح و بهینه از منابع ملی؛
۲. تصحیح الگوی تولید و مصرف جامعه در جهت قطع هر نوع وابستگی به بیگانگان برای رسیدن به استقلال اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی و حیاتی جامعه؛
۳. مشارکت همگانی آحاد افراد جامعه و ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری و افزایش سطح آگاهی مردم در جهت ضرورت تلاش و کوشش پی گیر برای پیمودن مسیر توسعه؛
۴. حفظ و تقویت ارزش‌های اسلامی که از ایمان و باورهای مذهبی افراد جامعه سرچشمه می‌گیرد تا همراه با اعتقاد به اهداف مقدس نظام هم راهی و مشارکت مردم بیش تر و تحمل مشکلات برای آن‌ها آسان‌تر باشد (همان منبع، ۴۷).

### ۳-۳-۴. سیستم حقوقی در قانون اساسی

سیستم حقوقی طراحی شده در قانون اساسی به گونه‌ای است که محور تمامی حرکات اقتصادی از اصل عدالت بهره می‌گیرد؛ لذا:

عدالت در بحث «حفظ بنیان مالکیت» به معنای آن است که همگان می‌توانند کارکنند و از منافع آن بهره‌مند باشند و هیچ‌کس نمی‌تواند ثمره کار کسی را به غیر روشی که او راضی باشد تملک کند مگر مواردی که قانون استثنا کرده‌است. مانند ملک بلاوارث، و یا روشن شدن تکلیف ارث بدون وصیت نامه بر اساس موازین شرعی.

عدالت در «حفاظت از محیط زیست»، به معنی آن است که بین نسل حاضر و نسل فردا، منابع اقتصادی باید به گونه‌ای، عادلانه توزیع شود، و ما اجازه نداریم منابع محیط زیست را طوری استفاده کنیم که نسل فردا در آلودگی‌های فزاینده زیست محیطی سر درگریان گردد، و یا منابع باقی مانده به گونه‌ای مصرف شوند که نسل آینده از وجود آنها نیز بی‌بهره باشد.

عدالت اجتماعی در «تأمین اقتصادی اقشار آسیب پذیر» به معنای آن است که آنها که به دلایلی از حداقل معیشت نیز برخوردار نیستند باید از طریق مناسبی توسط دولت تأمین گردند. فقر و نابسامانی‌های اقتصادی در بسیاری از دیگر مسائل سیاسی و اجتماعی و مفسد فرهنگی است و صدمات این نابسامانی‌ها به دیگر اقشار جامعه نیز می‌رسد، بنابراین صرف نظر از اجر اخروی و یا حفاظت از ارزش‌های انسانی، رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر، نوعی سرمایه‌گذاری دولت برای جلوگیری و بیمه لطمات ناشی از این نابسامانی‌ها برای دیگر اقشار ملت است.

عدالت در مفهوم «رقابت آفرینی در اقتصاد» به معنای آن است که دولت امکانات اقتصادی جامعه را به عدالت در اختیار همگان قرار می‌دهد، به گونه‌ای که در کسب امتیازات اقتصادی هیچ‌کس بر دیگری رجحان ندارد و فقط کسانی که در میدان رقابت اقتصادی موفق هستند از نعمات اقتصادی برخوردارند. دولت بر اساس محور عدالت (جلوگیری از هرگونه انحصار)، قدرت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که به طور مستقیم و غیر مستقیم، بنیان ظلم در کلیه روابط اقتصادی از بین برود. و هر عامل نامناسب در هریک از عرصه‌ها که اصل سودآوری عادلانه و فعالیت‌های اقتصادی را خدشه دار می‌کند توسط دولت یا حاکمیت مدافع ملت بر طرف گردد.

## منابع و مآخذ

- الف) منابع فارسی
- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابراهیمی کرهرودی، احمد، مبانی و ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی، ۱۳۸۷، تهران، نشر اوستا فراهانی.
- احمدیار، محمد حسین، رساله حقوق امام سجاد(ع)، بیتا، تهران، نشر یاس بهشت.
- اردبیلی، محمدعلی، کلیات حقوق جزا، ۱۳۹۷، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- \_\_\_\_\_ حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۷، تهران، نشر میزان.
- اسماعیل اولیائی پور، مجموعه مقالات فارسی اولین سمینار بررسی‌های اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۹، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، ۱۳۵۵، بیجا، بینا.
- امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، ۱۳۸۶، تهران، نشر دایره المعارف ایران.
- انصاری، محمد علی، الموسوعه الفقیه، ۱۳۸۹، جلد ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی، مکاسب المحرمه، ۱۴۱۵ق، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر کنگره.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، ۱۳۸۴، جلد سوم، تهران، نشر محراب.
- انصاری، ولی اله، حقوق تحقیقات جنایی، ۱۳۸۰، تهران، نشر سمت.
- \_\_\_\_\_ کلیات حقوق اداری، ۱۳۸۴، تهران، نشر میزان.
- ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- \_\_\_\_\_، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی (سطح پیشرفته)، ۱۳۹۰، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ایزائلو، محسن، آزادی بیان در حقوق اساسی، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ایمانی، عباس، جرم شناسی در ادبیات، ۱۳۸۲، تهران، نشر آروج.
- \_\_\_\_\_ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ۱۳۸۶، تهران، نشر آریان.
- \_\_\_\_\_، قظمیری، امیررضا، قانون اساسی در نظام حقوقی ایران، ۱۳۸۸، تهران، نشر نامه هستی.
- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول و دوم، ۱۳۸۶، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ۱۳۴۰، تهران، نشر سخن.
- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ۱۳۷۶، تهران، نشر مروارید.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۷۸، تهران، نشر سمت.



- آصفی، محمدمهدی، اصل اباحه ثروتهای طبیعی برای عموم در فقه اسلامی، ۱۳۷۴.
- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بشر، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- آل کجباف، حسین، تابعیت در ایران و سایر کشورها، ۱۳۸۹، تهران، نشر جنگل و جاودانه.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵ق، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- باربالت، جک، حقوق شهروندی، ۱۳۸۳، ترجمه جواد کارگزاری، نشریه حقوق اساسی.
- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، ۱۳۸۷، تهران، نشر میزان.
- باقری نژاد، زینب، اصول آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۴، تهران، نشر خرسندی.
- برنجی باقری، علیرضا، آموزش حقوق شهروندی، ۱۳۹۱ف تهران، نشر هنر آفتاب.
- برنوت، اریک، مقدمه ای به حقوق اساسی، ۱۳۸۲، ترجمه عباسعلی کدخدایی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- بندرچی، محمدرضا، حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران، ۱۳۸۳، تهران، نشریه دادرسی.
- بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، ۱۳۵۵، تهران، نشر دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- بهرامی احمدی، حمید، سوء استفاده از حق، ۱۳۷۷، چاپ سوم، تهران، نشر اطلاعات.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل، ۱۴۱۸ق، جلد ۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، محمد عبد الرحمن، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ۱۴۱۸ق، جلد ۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- پاتریک، تونی فیتز، نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست)، ترجمه هرمز همایون پور، ۱۳۸۱، تهران، نشر گام نو.
- پروین، خیرالله، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۹۳، تهران، نشر سمت.
- پروین، فرهاد، خسارات معنوی در حقوق ایران، ۱۳۸۰، تهران، نشر ققنوس.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۷، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- پللو، روبر، شهروند و دولت، ۱۳۷۰، ترجمه ابولفضل قاضی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- پورهایمی، عباس، آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، تهران، معاونت تدوین تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- تاج پور، حمیدرضا، حقوق اساسی ۱، ۱۳۹۵، تهران، نشر طلایی پویندگان دانشگاه.
- تاموشات، کریستیان، حقوق بشر، ۱۳۸۶، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان.
- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ۱۳۹۲، جلد ۱، تهران، نشر نی.
- تمیمی آمدی، قاضی ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۳، ترجمه هادی ربانی، جلد ۳، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- جاوید، محمد جواد، شاهمرادی، عصمت، حقوق شهروندی و نظام قضایی، ۱۳۹۶، تهران، نشر خرسندی.
- \_\_\_\_\_، بازخوانی بنیان‌های فلسفی نظریه نسبیت در حقوق شهروندی، ۱۳۹۳، نشریه حقوق

- \_\_\_\_\_ نظریه نسبت در حقوق شهروندی، ۱۳۸۸، چاپ اول، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، چاپ اول، بیروت
- جعفری تبار، حسن، فلسفه و ادبیات آزادی بیان در ایران، ۱۳۸۲، تهران، نشر دانشگاه تهران
- جعفری تبریزی، محمد تقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۷۰، تهران دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۲، تهران، انتشارات گنج دانش
- \_\_\_\_\_ مقدمه عمومی علم حقوق، ۱۳۷۵، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش
- \_\_\_\_\_، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، ۱۳۷۰، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش
- جعفری تبریزی، محمد تقی، تحقیقی در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری
- جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۹۲، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- جمعی از محققان، فرهنگنامه اصول فقه، ۱۳۸۹، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- جمعی از نویسندگان، رسائل مشروطیت، ۱۳۷۷، تهران، نشر کویر.
- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران مرکز نشر اسرا.
- \_\_\_\_\_، فلسفه حقوق بشر، ۱۳۷۵، چاپ اول، تهران، مرکز نشر اسرا.
- \_\_\_\_\_، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ۱۳۸۹، قم، نشر اسراء.
- \_\_\_\_\_، سمینار اقتصاد بدون نفت، ۱۳۷۷، قم، مسجد اعظم قم.
- \_\_\_\_\_، نسبت دین و دنیا، ۱۳۸۱، قم، نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشبه، ۱۳۸۹، جلد ۱۷، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی.
- حسینی آقایی، محمد تقی، اهداف علم فقه، ۱۳۹۲، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی.
- حصری، احمد، نظریه حکم و مصادر التشریح فی اصول الفقه الاسلامی، ۱۴۰۷ق، بیروت، دارالکتاب العربی.
- حکمت نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، ۱۳۸۹، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلی محقق، جعفر، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال، ۱۴۸۰ق، قم، موسسه اسماعیلیان
- حمید الله، محمد، سلوک بین المللی دولت اسلامی، ۱۳۸۰، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
- حویزی، علی بن جمعه، نورالتقلین، تصحیح سید هاشم رسولی، ۱۴۱۲ق، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان،
- حیدری، سید علی نقی، اصول استنباط، ۱۳۶۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- خزایی، احمد رضا؛ مرادخانی، احمد، مبانی فقهی حقوق شهروندی با رویکردی بر حقوق سیاسی - اجتماعی، ۱۳۹۷، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوق شهروندی

خسروشاهی، قدرت الله، نظریه ها و نظام های حقوقی، ۱۳۹۱، تهران، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جنگل

خسروی، حسن، حقوق اساسی، ۱۳۹۲، تهران، نشر دانشگاه پیام نور  
خلیلیان، محمد جمال، اصول اقتصادی قانون اساسی با نگاهی به توسعه پایدار، ۱۳۸۷، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان  
خمینی، روح الله، الاجتهاد و التقليد، ۱۳۳۳،

\_\_\_\_\_، تحریر الوسیله، ۱۳۶۳، تهران، قم، نشر اسلامی

\_\_\_\_\_، صحیفه نور، ۱۳۶۱، جلد ۸، تهران، مرکز مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی

\_\_\_\_\_، صحیفه نور، ۱۳۶۸، جلد ۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

\_\_\_\_\_، کتاب البیع، ۱۳۸۷، جلد ۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

\_\_\_\_\_، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

\_\_\_\_\_، صحیفه امام، ۱۳۷۸، تهران، نشر عروج

\_\_\_\_\_، خوئی، ابوالقاسم، کتاب الطهاره، بی تا، قم، دارالهادی

\_\_\_\_\_، معتمد العروه الوثقی، ۱۴۱۶ق، قم، نشر لطفی

\_\_\_\_\_، دانش پژوه، مصطفی، شناسه حقوق، ۱۳۹۱، تهران، نشر جنگل

\_\_\_\_\_، داوید، رنه، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، ۱۳۸۱، تهران، نشر میزان

\_\_\_\_\_، دورانت، ویل و اریل، تاریخ تمدن، ۱۳۸۵، گروه مترجمین، جلد ۴، چاپ اول، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی

\_\_\_\_\_، دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران  
\_\_\_\_\_، دین پرور، سید جمال الدین، سیمای کارگزاران در نهج البلاغه، ۱۳۹۰، تهران، نشر بنیاد نهج البلاغه

\_\_\_\_\_، ذاکران، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، ۱۳۸۱، تهران، نشر دانشگاه تهران

\_\_\_\_\_، راسخ، محمد، حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، ۱۳۸۱، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو

\_\_\_\_\_، رافائل، دیوید، ادم اسمیت، ۱۳۷۵، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ اول، تهران، طرح نو

\_\_\_\_\_، راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، ۱۴۰۵ق، چاپ دوم، قم

\_\_\_\_\_، رزاقی، ابراهیم، الگوی برای توسعه اقتصادی ایران، ۱۳۷۳، چاپ دوم، نشر توسعه

\_\_\_\_\_، زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، ۱۳۸۲، تهران، نشر مجد

\_\_\_\_\_، زمانی، علی، نهادها و سازکارهای منطقه ای حمایت از حقوق بشر، ۱۳۸۶، تهران

\_\_\_\_\_، زیبایی نژاد، محمد رضا، درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، ۱۳۷۵، قم، نشر اشراق

\_\_\_\_\_، ژید، شارل، ریست، شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ۱۳۸۱، ترجمه کریم سنجابی، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- ساریخانی، عادل، حقوق جزای عمومی اسلام، ۱۳۸۵، تهران، نشر دانشگاه پیام نور
- ساعد و کیلی، امیر، نسل سوم حقوق بشر، ۱۳۹۱، تهران، نشر مجد
- ساکت، محمد حسین، دادرسی در حقوق اسلامی، ۱۳۸۲، تهران، نشر میزان
- ساموئلسن، اقتصاد، ۱۳۳۳، ترجمه پیرنیا، جلد ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ساول، جرج، عقاید بزرگترین علماء اقتصاد، ۱۳۴۰، ترجمه حسین پیرنیا، چاپ دوم، تهران- نیویورک، انتشارات فرانکلین
- سروش، محمد، مبانی حریم خصوصی، ۱۳۹۳، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سلجوقی، محمود، بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی، ۱۳۸۰، تهران، نشر میزان
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، ۱۳۸۲، قم، نشر آیات عشق
- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، ۱۳۶۹، قم، نشر طه
- سید مرتضی، علی بن حسین، الانتصار، ۱۴۱۵ق، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- سیمپسون، جان؛ واینر، ادموند، فرهنگ لغت آکسفورد، ۲۰۱۷، ۱۹۸۹م، انتشارات دانشگاه آکسفورد
- سیموند، زنیلی، فلسفه حقوق در حق و مصلحت، ترجمه محمد راسخ، ۱۳۸۱، تهران انتشارات طرح نو
- شایان، سیاوش، فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی طبیعی، ۱۳۸۹، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- شب خیز، محمدرضا، اصول فقه دانشگاهی، ۱۳۹۲، چاپ اول، قم نشر لقاء،
- شریف القرشی، باقر، نظام حکومتی و اداری در اسلام، ترجمه شریف رحمانی، ۱۳۶۹، تهران، نشر بعثت
- شرفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر نظریه ها و رویه ها، ۱۳۸۸، تهران، نشر دانشگاه تهران
- \_\_\_\_\_ حسین، زمینه ها ابعاد و آثار حقوق شهروندی، ۱۳۹۲ف تهران، نشر میزان
- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴، تهران، نشر اطلاعات
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ۱۳۸۱، تهران، نشر میزان
- صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۱۳۸۸، تهران، نشر دادگستر
- صالحی مازندرانی، بررسی فقهی حقوق مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی، ۱۳۹۱، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- صدر، محمد باقر، قواعد کلی استنباط، ۱۳۸۴، ترجمه و شرح رضا اسلامی، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب
- \_\_\_\_\_ اقتصادنا، ۱۳۶۴، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، جلد ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- صرامی، سیف الله، حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۹۳، تهران، نشر عروج
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین المللی، ۱۳۸۶، تهران، نشر گنج دانش
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ۱۳۷۵، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات

و چاپ دانشگاه تهران

\_\_\_\_\_بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و حقوق بشر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر،

۱۳۹۴، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

\_\_\_\_\_، منوچهر، حقوق اداری، ۱۳۸۷، تهران، نشر سمت

طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ۱۳۷۶، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی

طباطباییفر، سید محسن، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، ۱۳۹۴، تهران، نشر نی

طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، ۱۳۹۳، چاپ اول، نشر مهر طاهر

عالیخانی، محمد، حقوق اساسی، ۱۳۷۳، تهران، نشر دستان

عاملی، ابی عبدالله محمدبن مکی، القواعد و الفوائد، ۱۳۰۸ق، قم، مکتبه داوری

عاملی، زین الدینبنعلی، مسالك الافهام الى التنقيح شرايع الاسلام، ۱۴۱۳ق، قم، نشر موسسه المعارف الاسلاميه

عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ۱۳۹۵، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر

\_\_\_\_\_، حقوق اداری، ۱۳۹۰، تهران، نشر دادگستر

عبداللهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی

عراقی، آقا ضیاء الدین، تعلیقه علی العروه الوثقی، ۱۳۴۶، کرمانشاه، نشر سعادت

عصمتی، حمید، حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی

علامه حلی، تذکری الفقهاء، ۱۴۱۵ق، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام

\_\_\_\_\_، مختلف الشیعه، ۱۴۱ق، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی

\_\_\_\_\_، منتهی المطلب، ۱۴۱۲ق، جلد ۱، مشهد، انتشارات مجمع مباحث اسلامی

علی پاشا، صالح، مباحثی از تاریخ حقوق، ۱۳۴۸، تهران، نشر دانشگاه تهران

عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، رشت، نشر جهاد دانشگاهی گیلان

عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۱۳۷۶، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

غفاری، هادی؛ یونس، علی، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۵، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و توزیع دانشگاه پیام نور

غمامی، سیدمحمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی

غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، ۱۳۷۶، تهران، نشر دادگستر

فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام، ۱۴۰۵ق، جلد ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

فالكس، کیش، شهروندی، ۱۳۸۱، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر

فتحی احمد، عبد الکریم، النظام الاقتصادی فی الاسلام، ۱۹۸۰م، القاهرة، مکتبه وهبه  
فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث  
العربی

فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم، قم، نشر هجرت  
فروغی، محمدعلی، حقوق اساسی (یعنی آداب مشروطیت دول)، ۱۳۸۲، تهران، نشر کویر  
فریدن، مایکل، مبانی حقوق بشر، ۱۳۸۲، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، وزارت امور خارجه  
فشارکی زاده، حسن، سوسیالیسم برای قرن بیست و یکم، ۱۳۸۶، تهران، قدیس  
فوکویاما، فرانسیس، آینده پسا انسانی ما؛ ۱۳۸۴، ترجمه حبیب الله فقیهی نژاد، تهران، مؤسسه انتشاراتی  
ایران

فهیمی، فاطمه، حقوق شهروندی غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، ۱۳۹۲، تهران، نشر خرسندی  
قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، ۱۳۷۵، تهران، نشر دادگستری  
قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، ۱۳۸۱، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان  
قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، ۱۳۸۴، تهران، نشر میزان  
قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۸، تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن  
قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۳۷۴، جلد ۶، تهران، دارالکتاب الاسلامیه  
قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۵ق، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی  
قم، الهادی

کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۷۷، تهران، نشر دادگستر  
\_\_\_\_\_، مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات بهمن شیر  
\_\_\_\_\_، الزام‌های خارج از قرارداد، ۱۳۷۸، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران  
\_\_\_\_\_، اموال و مالکیت، ۱۳۹۳، تهران، نشر میزان  
\_\_\_\_\_، حکومت قانون و جامعه مدنی، ۱۳۸۵، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران

\_\_\_\_\_، دلیل و اثبات دلیل، ۱۳۸۰، تهران، نشر میزان  
\_\_\_\_\_، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، ۱۳۷۶، تهران، نشر دادگستر  
\_\_\_\_\_، فلسفه حقوق، جلد اول: تعریف و ماهیت حقوق، ۱۳۸۰، چاپ دوم، تهران، شرکت  
سهامی انتشار  
\_\_\_\_\_، گامی به سوی عدالت، ۱۳۷۹، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران

کاستلز، استفان؛ البستر دیویدستون، مهاجرت و شهروندی، ۱۳۸۳، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران،  
پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی  
کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، ۱۴۱۶ق، مؤسسه علمی للمطبوعات

- کانت، ایمانوئل، فلسفه حقوق، ۱۳۸۰، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات نقش و نگار
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ق، جلد ۲ و ۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه
- کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فیروز مجیدی، ۱۳۷۳، تهران، نشر خوارزمی
- کیوستو، پیتر، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ۱۳۷۸، تهران، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ۱۳۷۵، تهران، نشر دانشگاه تهران
- گروهی از نویسندگان، خصوصی سازی از تئوری تا عمل (مجموعه مقالات)، ۱۳۷۴، تهران، انتشارات آگاه
- گل‌باغی ماسوله، سیدعلی، ۱۳۷۸، قم، ناشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- گیدنز، آتوننی، جامعه‌شناسی، ۱۳۸۱، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هفتم، تهران، نشر نی
- ماهر، حسین، نقد و بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، انجمن خدمات اسلامی
- متوسلی، محمود، خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، ۱۳۷۳، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- مجاهد، سید محمد، المناهل، ۱۲۴۳، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات، ۱۳۸۹، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، ۱۳۶۴، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ۱۴۰۳ق، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء
- محقق حلی، جعفر بن حسن، معارج الاصول، ۱۴۰۳ق، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ۱۳۸۳، تهران، نشر علوم انسانی
- محقق داماد، سید مصطفی، و دیگران، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ۱۳۷۹، تهران، نشر سمت
- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین المللی؛ رهیافت اسلامی، ۱۳۸۳، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
- محمدی گرکانی، محمد، جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی
- محمدی گرکانی، محمد، کرامت انسان در کتاب حقوق بشر از منظر اندیشمندان، ۱۳۸۰، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار
- محمدی، ابوالحسن، قواعد الفقه، ۱۳۷۲، تهران، نشر یلدا
- محمودی، جواد، بررسی تحلیلی دادرسی اداری در حقوق ایران، ۱۳۹۳، تهران، نشر جنگل، جاودانه
- مدرسی، محمدنقی، تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ترجمه احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- مدکس، رابرت، قوانین اساسی کشورهای جهان، ۱۳۸۵، ترجمه مقداد ترابی، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
- مدنی، جلال الدین، کلیات حقوق اساسی، ۱۳۷۶، تهران، نشر پایدار

- \_\_\_\_\_ حقوق اساسی تطبیقی، ۱۳۷۶، تهران، نشر گنج دانش
- \_\_\_\_\_ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴، تهران، نشر همراه
- \_\_\_\_\_ مبانی و کلیات علوم حقوق، ۱۳۷۰، تهران: نشر همراه
- مراذخانی، احمد؛ خزایی، احمدرضا، مبانی فقهی حقوق شهروندی، تهران: نسیم (حقوق شهروندی)، ۱۳۹۷، چاپ اول
- میردی، سیاوش؛ نوروزی، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، ۱۳۷۳، تهران، نشر نگاه
- مشکینی، میرزا علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، ۱۴۱۶ق، قم، نشر الهادی
- مشکینی اردبیلی، علی اکبر، مصطلحات الفقه و معظم عناوینہ الموضوعیہ، ۱۳۷۹، چاپ دوم، مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، ۱۳۹۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- مصباح، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، ۱۳۷۷، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۱۶ق، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مصطفوی، محمد کاظم، مائت قاعده فقهیه، ۱۴۱۷ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- مطلبی، سید محسن، پاسداری از قوانین اساسی، ۱۳۸۵، تهران، نشر مجد
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، کتاب اصول فقه و فقه، ۱۳۹۲، قم، نشر صدرا
- \_\_\_\_\_ نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۷۳، چاپ چهارم، نشر صدرا
- \_\_\_\_\_ نظری به نظام اقتصادی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا
- \_\_\_\_\_ انسان و سرنوشت، ۱۳۶۳، قم، انتشارات صدرا
- \_\_\_\_\_ پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، قم، انتشارات صدرا
- \_\_\_\_\_ جهان بینی توحیدی، ۱۳۶۲، قم، انتشارات صدرا
- \_\_\_\_\_ مجموعه آثار، ۱۳۸۸، قم، جلد ۲۱، انتشارات صدرا
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۶، چاپ سوم، نشر زرین
- مقداد، فاضل، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۱۳۷۳، جلد ۲، تهران، نشر مرتضوی
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۶۶، تهران، دارالکتاب الاسلامیه
- \_\_\_\_\_ القواعد الفقهیه، ۱۳۹۴، قم، ترجمه محمد جواد نوری همدانی، انتشارات امام علی بن علی طالب(ع)
- \_\_\_\_\_ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۱۳۷۰، ترجمه و تقریر محمد صلواتی، قم، نشر تفکر
- \_\_\_\_\_ تفسیر نمونه، ۱۳۷۳، چاپ شانزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- \_\_\_\_\_ خطوط اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۰، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب)



- منتظری، حسینعلی، رساله حقوق، ۱۳۸۳، چاپ چهارم، تهران، نشر سرایی  
موحد، علی، در هوای حق و عدالت، ۱۳۸۱، تهران، نشر کارنامه  
موسوی، سیدمحمد، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ۱۳۹۰، تهران، نشر دانشگاه پیام نور  
\_\_\_\_\_ اندیشه‌های سیاسی در اسلام، ۱۳۹۱، تهران، نشر دانشگاه پیام نور  
الموسوی الخوئی، ابوالقاسم، صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات، ۱۳۷۱، چاپ اول، قم: دفتر نشر برگزیده  
میکسل، ریموند فرچ (۱۳۷۶)، «توسعه اقتصادی و محیط زیست»، ترجمه: حمیدرضا ارباب، تهران:  
انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی.  
میر احمدی زاده، مصطفی، رابطه فقه و حقوق، ۱۳۸۰، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
ناظر زاده، فرناز، فلسفه سیاسی فارابی، شرح نظریه مدینه فاضله با تطبیق بر آراء افلاطون و ارسطو، ۱۳۷۹،  
تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا  
نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، ۱۳۸۷، چاپ نهم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار  
نجاتی حسینی، محمود، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، ۱۳۸۰، تهران، سازمان  
شهرداری‌های کشور  
نجفی ابرندآبادی، علی حسین، علوم جنایی، مجموعه مقالات، ۱۳۸۵، تهران، نشر سمت  
نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۱۳۶۲، جلد ۲۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه  
نصر، حسین، قلب اسلام، ۱۳۹۴، ترجمه محمد صادق خرازی، تهران، نشر نی  
نوحی، حمیدرضا، قواعد فقهی در آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶، تهران، نشر عروج  
نوی، یحیی بن شرف، المجموع فی شرح المذهب، بیتا، بیروت، دارالفکر  
نیلی، مسعود، اقتصاد ایران، ۱۳۷۶، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی  
و توسعه  
وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، رساله عملیه متاجر، بی تا، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف  
اهل البیت (ع).  
ورعی، سید جواد، بررسی فقهی فرمانبرداری و نافرمانی مدنی، ۱۳۹۴، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
\_\_\_\_\_ در سنامه فقه سیاسی، ۱۳۹۶، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
وکیل، امیر ساعد؛ عسکری، پوریا، حقوق همبستگی، ۱۳۸۳، تهران، مجد  
ولایی، عیسی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی  
\_\_\_\_\_ بررسی فقهی فرمانبرداری و نافرمانی مدنی، ۱۳۹۴، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و  
نشر سمت  
\_\_\_\_\_ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ۱۳۸۴، تهران، نشر میزان  
\_\_\_\_\_ مبانی سیاست در اسلام، ۱۳۹۶، تهران، نشر خرسندی  
هادوی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، ۱۳۸۰، قم، انتشارات خانه خرد  
هاشمی، سیدمحمد، بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

۱۳۸۴، تهران، نشر دانشکده حقوق

هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران، نشر میزان  
هانتینگتون، ساموئل تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ۱۹۹۸، ترجمه مینو احمد سرتیب، تهران، نشر  
کتابسرا

هداوند، مهدی؛ مشهدی، علی، اصول حقوق اداری، ۱۳۹۵، تهران، نشر خرسندی  
\_\_\_\_\_، حقوق اداری تطبیقی، ۱۳۹۴؛ تهران، نشر سمت

هکی، فرشید، حقوق اقتصادی - اجتماعی بشر در ایران، ۱۳۸۸، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و  
پژوهشهای حقوقی شهر دانش

یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، ۱۳۷۵، تهران، انتشارات امیرکبیر  
\_\_\_\_\_ حاشیه بر مکاسب، ۱۳۷۰، قم، موسسه اسماعیلیان

منابع عربی:

ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی، بیتا، جلد ۱۱، بیجا

ابن عربی، محی الدین، فصوص الحکم، بیتا، بیروت، دارالکتب العربی

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق، قم، مکتب الاعلام الاسلامی

ابن کثیر، الحافظ بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۳۹۳ق، قاهره، نشر دارالشعب

ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، ۱۳۷۳ق، جلد ۲، بیروت، نشر دارالفکر

ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، ۱۳۵۶ق، قاهره، نشر دارالمعرفه

اثیر، مبارک بن محمد، النهایی فی غریب الحدیث و الاثر، ۱۳۶۴، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی، امالی شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.

ابن براج، عبد العزیز، جواهر الفقه، ۱۴۱۱ق، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

ابن زهره حلبی، محمد بن عبد الله، غنی النزوع الی علمسی الاصول و الفروع، ۱۴۱۷ق، چاپ اول، قم،  
مؤسسه الامام الصادق ع.

ابن شعبه حرانی، حسنینعلی، تحف العقول، ۱۴۰۴ق، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین  
حوزه علمیه.

ابن قدامه، عبدالله، المغنی، بیتا، بیروت، دارالکتب العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۳۸۵، جلد ۱۳، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و  
مطالعات فرهنگی.

احسابی، محمد، عوالی الثالی العزیزیه، ۱۴۰۵ق، جلد ۴، قم، سیدالشهداء للنشر.

اردبیلی، احمد، زبده البیان فی احکام القرآن، ۱۳۰۵ق، چاپ اول، تهران، مکتبه المرتضویه.

اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان، ۱۴۰۵ق، قم، شر الموتر المقدس الاردبیلی

آشتیانی، محمد حسن، کتاب القضاء، بیتا، قم، شر دارالهجره

- انصاری، مرتضی، المكاسب، ۱۴۱۸ق، قن، نشر موسسه الهادی
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم ودرر الکلم، ۱۴۱۰ق، قم، تحقیق سیدمهدی رجایی، نشر دارالکتاب الاسلامی
- الجوهری، أبو نصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۴۰۷ق، جلد۱، بیروت، دار العلم للملایین
- حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه الی احکام الائمه، ۱۴۱۴ق، مشهد، نشر آستان قدس رضوی
- \_\_\_\_\_، وسائل الشیعه، ۱۳۹۹ق، جلد ۱۲، چاپ چهارم، تهران، نشر اسلامیة
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام، ۱۴۰۴ق، تهران، نشر نوید
- حسینی زبیدی، تاج العروس، ۱۳۷۳، جلد ۱۳، انتشارات دارالفکر
- حسینی سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر و لاضرار، ۱۴۱۴ق، قم، نشر مهر
- حسینی شاهرودی، سیدعلی، محاضرات فی الفقه الجعفری المکاسب المحرمه، ۱۴۰۹ق، جلد ۲، نشر دارالکتاب الاسلامی
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، بیروت، نشر دارالعلوم
- حکیمی، محدرضا، الحیاه، ۱۴۰۹ق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ۱۴۱۳ق، قم، نشر موسسه نشر اسلامی
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۳ق، شرائع الاسلام، تهران، نشر استقلال
- خراسانی، ملا محمد کاظم، کفایه الاصول، ۱۴۰۹ق، موسسه آل بیت
- خمینی، روح الله، المكاسب المحرمه، ۱۴۱۵ق، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- \_\_\_\_\_، الاجتهاد و التقليد، ۱۳۸۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ۱۴۱۹ق، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی
- \_\_\_\_\_، مصباح الفقاهه، ۱۳۹۳، جلد ۲، نشر فقاها
- \_\_\_\_\_، منهاج الصالحین، ۱۴۱۳ق، جلد ۲، قم، مدینه العلم
- راغب اصفهانی، حسین، المفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲ق، بیروت، نشر دارالشامیه
- روحانی، سید صادق، فقه الصادق، ۱۴۱۲ق، قم، نشر دارالکتاب
- زحیلی، مصطفی، الموسوعه الفقهیة، ۱۴۱۹ق، جلد ۴، کویت، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷ق، بیروت، نشر دارالکتاب العربی
- سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول، ۱۳۶۳، تهران، نشر موسسه آثار امام خمینی
- سبزواری، سید عبدالعلی، ۱۴۱۳ق، قم، مهذ الاحکام، نشر موسسه المنار
- سیستانی، علی، منهاج الصالحین، ۱۳۸۵، جلد ۳، نشر پیام طوس
- صدوق، صفات الشیعه، ۱۳۸۰، چاپ سوم، تهران، نشر زراره
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق، قم، مرکز نشر اسلامی
- صنعانی، عبدالرازق، المصنّف، ۱۴۰۳ق، جلد ۱۰، المجلس العلمی
- طباطبایی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، ۱۳۸۰، جلد ۱۷، نشر المهر

طباطبایی حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه الوثقی، ۱۳۷۷ق، جلد ۲، نجف، نشر مطبعه النجف  
 طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه کتاب المکاسب دار المصطفی، ۱۴۲۳ق، قم، احیاء التراث  
 طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، ۱۴۱۸ق، قم، موسسه آل بیت  
 طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۴۱۲ق، تهران، نشر ناصر خسرو  
 طبسی، نجم الدین، دراسات الفقہیہ، ۱۴۱۶ق، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی  
 طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۱۴۱۵ق، جلد ۶، بیروت، نشر داراحیاء التراث الدین العربی  
 طوسی، محمدبن الحسن، النهایه فی مجرد الفقہ و الفتاوی؛ ۱۴۰۰ق، بیروت، نشر دارالکتاب العربی  
 \_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵، جلد ۸، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه  
 \_\_\_\_\_، التبیان فی التفسیر القرآن، بیتا، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، نشر داراحیاء  
 التراث العربی

\_\_\_\_\_، الخلاف، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی  
 \_\_\_\_\_، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۴۲۲ق، قم، نشر موسسه النشر اسلامی  
 عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ۱۴۰۱ق، قم، مؤسسه نشر اسلامی  
 عاملی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة، ۱۴۱۰ق، قم، تحقیق سید محمد کلانتر، نشر داورى  
 عاملی، شمس الدین محمد بن مکی، القوائد و الفوائد، بیتا، قم، نشر مکتبه المفید  
 \_\_\_\_\_، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ۱۴۱۴ق، قم، موسسه نشر  
 اسلامی

\_\_\_\_\_، المعه الدمشقیه، ۱۴۱۱ق، تحقیق علی کورانی، قم، نشر دارالفکر  
 عراقی، آقا ضیاء الدین، کتاب القضاء، علی کزازی، ۱۴۲۱ق، قم، نشر موسسه معارف اسلامی  
 عیاشی، ابونصر محمد، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰ق، جلد ۲، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه  
 غروی اصفهانی، محمد حسین، حاشیه کتاب المکاسب، ۱۴۱۸ق، قم، نشر مجمع ذخائر اسلامیه  
 فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه، ۱۳۸۱، قم، نشر مرکز فقه ائمه اطهار  
 فاضل هندی، محمدبنحسن، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ۱۴۱۸ق، نشر موسسه نشر اسلامی  
 فخر المحققین، ابی طالب محمدبن حسن، ۱۳۸۷، قم، ایضاح الفوائد نشر العملیه  
 فشارکی، محمد، الرسائل، ۱۴۱۳ق، قم، نشر موسسه نشر اسلامی  
 فیض کاشانی، محمد حسن، الوافی، ۱۴۰۶ق، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین(ع)  
 فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ۱۳۷۲، جلد ۲، قم، دارالهجره  
 قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، ۱۳۶۴، تهران، نشر ناصر خسرو  
 قطب راوندی، سعید الدین هبی الله، فقه القرآن، ۱۴۰۵ق، قم، مکتبی آبی الله العظمی المرعشی النجفی  
 قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، ۱۲۰۵ق، بیجا  
 قمی، عباس، سفینه البحار، ۱۳۹۳، ترجمه هادی صلواتی، جلد ۱، موسسه انتشاراتی کتاب عقیق  
 قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱۴۱۱ق، جلد ۱، بیروت، نشر دارالسرور

کاشانی، ملافتح الله، خلاصه المنهج، ۱۳۷۳ق، تهران، نشر اسلامیه  
کاشف الغطاء، جعفر، كشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، بیتا، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی  
گلبایگانی، سیدمحمد رضا، ۱۳۷۸، جلد ۱، قم، حاشیه العروه الوثقی، نشر اسماعیلیان  
لنکرانی، محمد فاضل، جامع المسائل، ۱۴۲۵ق، جلد ۱، قم، امیر قلم  
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، جلد ۲، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی  
محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ۱۳۳۲، قم، دارالکتب الاسلامیه  
مسلم، احمد، اصول المرافعات و التنظيم و الاجرائات، ۱۹۶۸، بیجا، بینا  
منتظری، حسینعلی، کتاب الحدود، بیتا، قم، نشر دارالفکر  
موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه القضاء، ۱۳۸۱، قم، نشر جامعه المفید  
موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، ۱۴۱۹ق، قم، نشر الهادی  
میرفتاح، العناوین، ۱۴۱۵ق، قم، نشر جامعه مدرسین  
نجفی خوانساری، موسی بن محمد، منیه المطالب فی شرح مکاسب، تقریرات النائینی، ۱۴۱۸ق، قم،  
موسسه نشر اسلامی  
نراقی، احمد بن محمد، مستند الشیعه، بیتا، قم، نشر موسسه آل بیت  
نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، ۱۴۱۱ق، بیروت، دارالکتب العلمیه  
نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، ۱۳۷۲، قم، نشر انصاریان  
نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیتا، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی

#### منابع انگلیسی

1. Asbjorn Eide, "Realization of social and economic rights and the minimum threshold approach" Human Rights Low Journal, vol. 10. (1989), pp. 35-51
2. Beyleveld, Deryck and Brownsword, Roger, Human Dignity, Human Rights, and Human Genetics, The Modern Law Review, Vol, 61, No5, 1998, in Wwww. jstor.org
3. Chris Jochnick, "Conforting the impunity of non-State actors: new fields for the promotion of human rights ". Sigrun Skogly. Human Rights Quarterly, vol. 21. no. 1(Februry 1999),PP. 56-79.
4. Craig Scott, "The interdependence and permeability of human rights norms: towards a partial fusion of the International Covenants on Human Rights". Osgoode Hall Law Journal, vol. 27, no. 4, 1989, pp. 851-78.
5. dictionnaire de l'économie Contemporaine, p. 284,

6. Doming K. international law. Translated by Taghizadeh Ansari M. Tehran: Dadgar publication; 2004. p.6. [Persian]
7. Economic Theory in Retrospect, pp. 327-328.
8. F. Stewart, "Basic needs strategies, Human Rights and the right to development", Human Rights Quarterly, 11, 1989, pp. 374-74.
9. Faulks, K. (2000). Citizenship. New York: Routledge.
10. Fragnière. Gabriel Citoyenneté, Nationalité, Identités Centre des Jeunes Dirigeants d'Entreprise Futuroest 2003
11. General comment on art. 6 of civil and political covenant issued by UN human rights Committee, in compilation of General comment and general recommendation adopted by human rights treaty bodies, UN Doc. HRI/GEN/1/ Rev. 3 (1997).
12. Gilles LEBERTON Libertés publiques & droits de l'homme. 5ème édition, Armand Colin 2001, pp 11 et 12.
13. -Groundwork of the Metaphysics of Morals, Kant, Immanuel, H. J. Paton, London, Hutchinson, 1948. (as cited in Human Dignity in Bioethics and Biolaw, D. Beyleveld and R. Bronsword, Oxford University Press, 2001)
14. Human Dignity: A Challenge to Contemporary Philosophy, Spiegelberg, Herbert, New York, Gordon & Breach, 1970. (as cited in Human Dignity in Bioethics and Biolaw, D. Beyleveld and R. Bronsword, Oxford University Press, 2001).
15. Huntington, S.; The Clash of Civilization and the Remaking of the World Order ; London : Touchstone, 1998.
16. Hussain Y and Bagguley P, (2005). Citizenship, Ethnicity and Identity, SAGE Publications
17. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966) (ICESCR)
18. J.Khurana, "Social Welfare Entitlements and The Role of law". Journal of Law and Social Policy. Vol.16,P. 27.
19. Johnston, L. (1992). The Rebirgh Private Policing . London: Routledge.
- Lauer, H.R, hauer, C.J. (2002). Social Problems and the Quality of life , New York: McGraw- Hill.
20. Kulke U. "The Present and Future Role of ILO Standards in realizing the Social Security", International Social Security Review, (vol. 60, 2007), pp.

134-5.

21. Liu, M. (2001). The Development of Civic Values: Case Study of Taiwan. International Journal Educational Research. Vol. 35. Ni.1.
22. LOCHAK (D.), Les droits de l'homme, Paris, La découverte, 2002, p. 46
23. Marshall, T.H.; Citizenship and Social Class; Pluto Classic, 1987
24. Matthew CR Craven, The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (A perspective on its Development). (New York: Oxford University Press, 1995), pp. 106-108.
25. Miglietti, Sara, Amitié, harmonie et paix politique chez Aristote et Jean Bodin, Astérior, La première Théorie critique, no 7, juin 2010 P6 51.
26. Minkler, J. (1998). Active Citizenship. Empowering America's Youghth, In WWW.Frenso, edu/ sps/ minkler, html.
27. Ogien, Ruwen, Traducción de Manel Mani Viudes, Pensar la pornografía, Ediciones Paidós Ibérica, Barcelona(2005).
28. Paul Hunt Reslaming Social Rights International and Comparatives Perspectives, (Aldersho: Durmouth Publishing Company, 1996), p. 106.
29. Pensée économique, p. 14.
30. Philip Alston. "Out of the abyss: the challenges confronting the new U.N. Committee on Economic, Social and Cultral Rights", Human Rights Quaterly, vol. 9, no. 3 (August, 1987), p. 353.
31. Rezaei Ghaleh H, Milani Bonab A. Deserve the right of health care and education in developing countries. Rahbord 2006; 42(13): 126. [Persian]
32. Robert E. Robertson. "Measuring State compliance with the obligation to devote the 'maximum available resources' to realizing economic, social and cultural rights", Human Rights Quarterly, vol. 16. 10 no.4 (November, 1994), pp. 693-644.
33. see: The Impact of cons titutions of Economic performance, Jon Elester, proceedings of the world Bank, Annual conference on Development Economics, 1994.
34. Sigrun Skogly. "Structural adjustinent and development human rights - an agenda for change", Human Rights Quarterly, vol. 15. no. 4, 1993,P751.
35. The Metaphysics of Morals, Kant, Immanuel, Mary Gregor. Cambridge,

- Cambridge University, 1991. (as cited in Human Dignity in Bioethics and Biolaw, D. Beyleveld and R. Bronsword. Oxford University Press, 2001)
36. The Oxford Encyclopedic English Dictionary, New York, Oxford University Press, 1996.
37. The Oxford Encyclopedic English Dictionary, New York, Oxford University Press, 1996
38. The Theory of Price, p. 544.
39. Turner, B.S. (2006). Global Sociology and the Nature of Rights, (In Societies without Borders), Vol. 1.
40. United Nations. Economic. Social and Cultural Rights (Handbook for National Human Rights Institutions), (New York and Geneva: United Nations Publication, 2005), p. 3.
41. Universal Declaration of Human Rights (1948) (UDHR).
42. Victor Dankua, Cees Flinterman and Scott Leckie, "Conimentary to the Maastricht Guidelines on Violations of Economic, Social and Cultral Rights", Human Rights Quarterly, vol. 20, no. 3 (August 1988), p. 717.
43. Zhra F. Arat, Democracy and Human Rights in Development Contries, (Lynns Rienner Publishers, Bouders, 1991), P.8.